

احمدی نژاد

احمد نجابت: بهترین امکانات در این دولت به طرف شهرهای درجه ۳ و ۴ و روستاها رفت.



همچنین احمدی نژاد به شهرها و روستاهایی رفت که فرماندار هم به آن شهرها نرفته بود.

محمد سلیمانی: شما نگاه کنید که در سال ۹۱ عمده مصوبات مجلس در حوزه اقتصاد، بستن دست دولت است. به نظرم ما باید منصفانه صحبت کنیم. معتقدم داستان تلاش برای خرید نمایندگان با ۵ میلیون تومان نقطه و سر آغاز سراسی احمدی نژاد است.



محمد حسین قدیری ایبانه: اگر آقای احمدی نژاد روال دور اول ریاست جمهوری را ادامه



می داد، می توانست به سبلی مثل شهید رجایی تبدیل شود و ۲ دروه ریاست جمهوری اش را با موفقیت انجام داده و می توانست اعتباری برای نظام باشد. ما الان در نظام مسئله است.

جعفر شجونی: متأسفانه لجبازی کمر رئیس جمهور را شکست.



ما هم آدمی نیستیم که بخواهیم به ایشان توهین کنیم. خود من شخصاً ۱۰ استان کشور رفتم تا برای احمدی نژاد تبلیغ کنم. تبلیغ من برای این بود که ایشان آرمانها و اهداف خوبی داشت.



آیت الله سید احمد خاتمی: استفاده از امکانات بیت المال در جهت تبلیغات انتخاباتی خلاف شرع "بین"

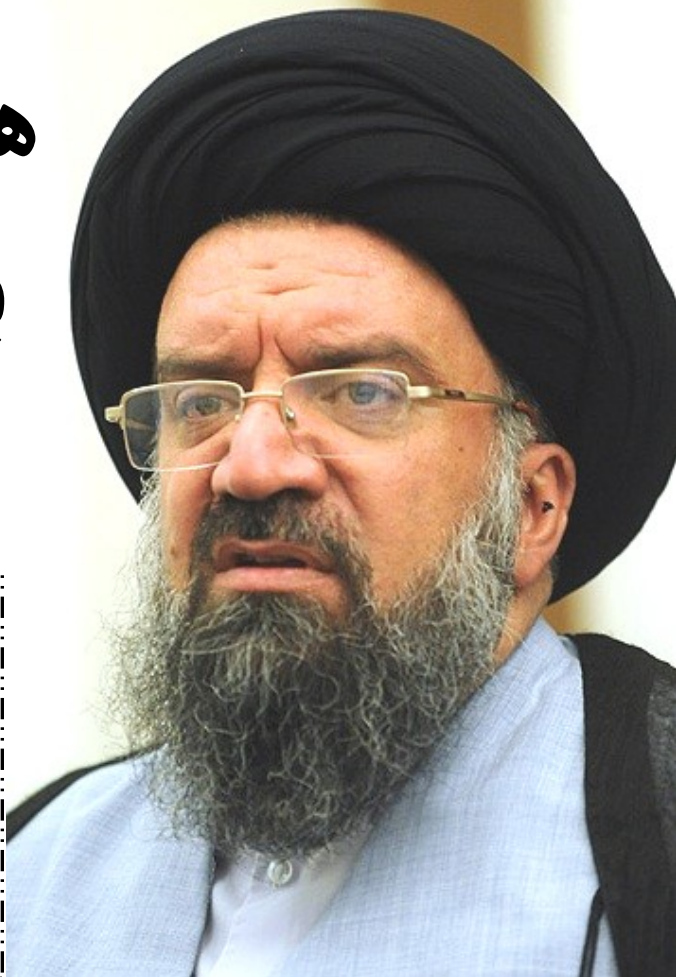
است. چه استفاده مادی و چه استفاده معنوی باشد. استفاده معنوی یعنی اینکه مردم اجتماعی با هدف دیگری برگزار کنند، ولی از آن استفاده تبلیغاتی شود. این مسئله هم خلاف شرع است و من به بعضی از کسانی که قدرت دارند تذکر می دهم که بدانند فردای قیامت نمی توانند در برابر این استفاده های شخصی از امکانات بیت المال پاسخگو باشند.

آیت‌الله خاتمی:

هزینه کردن از بیت‌المال

برای تبلیغات انتخاباتی

خلاف شرع است



مقام معظم رهبری در ابتدای سال جاری در حرم مطهر امام رضا (ع) در مورد شاخصه رئیس جمهور آینده فرمودند: آنچه ما برای رئیس جمهور آینده نیاز داریم، عبارت است از امتیازاتی که امروز وجود دارد، منهای ضعف‌هایی که وجود دارد... رئیس جمهور هر دوره‌ای باید امتیازات کسبی و ممکن‌الحصول رئیس جمهور قبلی را داشته باشد، ضعف‌های او را نداشته باشد! این یکی از اولین طرح‌های شاخصه‌ها و ویژگی‌های رئیس جمهور آینده است. برای بررسی دقیق‌تر این سخن مقام معظم رهبری پای صحبت‌های آیت‌الله سیداحمد خاتمی عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری نشستیم. او که بیشتر مردم او را با خطبه‌های پر حرارت نماز جمعه تهران می‌شناسند، در این زمینه معتقد است که حمایت گروه‌های ارزشی از کاندیداها باید مشروط باشد.

۱- "نداشتن التزام عملی به ولایت فقیه". برخی از روسای دولت‌ها از اساس گفتند که ولایت فقیه را قبول ندارند. نهضت آزادی که آقای بازرگان برخاسته از این حزب و رئیس دولت بود، در سال ۱۳۶۵ جزوه نقض ولایت مطلقه فقیه را نوشتند و از همان ابتدا به صراحت گفتند که "ولایت فقیه" را قبول ندارند. مایه تأسف این است که کسانی دم از ولایت می‌زدند، اما التزام عملی به ولایت فقیه نداشتند و ما باید در انتخاب رئیس جمهور آینده این تجربه را دیده باشیم و عبرت بگیریم. رئیس جمهور باید به گونه‌ای باشد که حتی اگر در یک موردی نظرش هم با نظر ولی فقیه متفاوت بود، نظر ولی فقیه را برگزیند، زیرا قانون می‌گوید باید رئیس جمهور و سایر قوا تحت نظر ولایت مطلقه امر باشند.

؟ برخی از رابطه ولی فقیه با دیگران و مسئولان با تعبیر "پدر و پسر" یاد می‌کنند. از لحاظ فقه شیعه آیا این نوع تعبیر از رابطه ولی فقیه و مسئولان درست است؟
دقیقا رابطه "امام و ماموم" است.

؟ پس رابطه "پدر و پسر" معنایی ندارد؟
پدر بر فرزند ولایت دارد، ولی ولایت فقیه در جامعه بیش از این ولایت است. "النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم" و "من کنت مولاه فهذا علی مولا" بیش از آن است که به رابطه "پدر و پسر" منحصر شود. به مطالبی در رابطه با نقاط ضعف برگردم. در نکته اول یکی از نقاط منفی رئیس جمهور را "نداشتن التزام عملی به ولایت فقیه" عرض کردم. ۲- رئیس جمهور باید "عملا از قانون تمکین کند". عدم تمکین از قانون نقطه ضعف بعضی از روسای جمهور بود. به عنوان مثال

تداوم حیات نظام اسلامی بدانند. ۲- "قانونمداری"؛ برای درک بهتر این موضوع به فروردین ۱۱ فروردین سال ۵۸ اشاره می‌کنم. ۶۰ روز از پیروزی انقلاب نگذشته بود که فرماندهم برای اصل نظام صورت گرفت و امام خمینی (ره) تمام تلاش خود را به کار بردند که هر چه زودتر کشور "قانون مند" شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که در کشوری انقلاب شود و به این زودی مردم را پای صندوق رای بیاورند و برای قانونمندی کشور در بعد از انقلاب تلاش شود و امام خمینی (ره) این کار را کرد. کسانی که می‌خواهند زمام ریاست جمهوری را در دست بگیرند، باید در عمل قانون‌مدار باشند. ۳- نکته بسیار مهم دیگری که باید رئیس جمهور آینده داشته باشد، "اولایتمداری عملی" است. طبق قانون اساسی هر ۳ قوه زیر نظر ولایت مطلقه امر عمل می‌کنند. ۴- "در خدمت همه مردم بودن"؛ رئیس جمهور آینده باید به ویژه در خدمت جوانان باشد و مشکلات آنها را رفع کند و همچنین باید به متن مردم برود و از نزدیک مشکلاتشان را ببیند و برای حل مشکلات مدیریت داشته باشد. ۵- برنامه داشتن برای آینده و دچار روزمرگی نشدن ۶- اعتقاد به کار جمعی داشتن ۷- پایبندی به اصول انقلاب اسلامی ۸- در قول‌هایی که به مردم می‌دهند "صدراقت" داشته باشند. ۹- ترجیح مصلحت جامعه و نظام بر مصالح خود و حزب متبوع خود ۱۰- موضع معقول در سیاست خارجی؛ رئیس جمهور آینده باید سیاستی همراه با حکمت، عزت و مصلحت داشته باشد. این مواردی که ذکر شد از ویژگی‌های مثبتی به شمار می‌رود که در گذشته برخی روسای جمهور آنها را داشتند ولی نقاط ضعفی نیز وجود داشت که بدین شرح است:

؟ رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر امام رضا علیه السلام فرمودند: "آنچه ما برای رئیس جمهور آینده نیاز داریم، عبارت است از امتیازاتی که امروز وجود دارد، منهای ضعف‌هایی که وجود دارد و سپس می‌فرمایند: ما در سلسله دولت‌هایی که پشت سر هم می‌آیند، باید رو به پیشرفت باشیم، رو به تعالی و تکامل باشیم، تدریجاً بهترین‌های خودمان را بفرستیم، به نظر شما چرا مقام معظم رهبری این شاخصه برای رئیس جمهور را ملازم پیشرفت دانستند؟

بسم الله الرحمن الرحیم. آنچه مقام معظم رهبری در رابطه با انتخاب رئیس جمهور آینده فرمودند که امتیازات رؤسای جمهور سابق را لحاظ کنیم و کسی را انتخاب کنیم که آن امتیازات را داشته باشد و از نقاط ضعف نیز مبری باشد، مطلب خردورزانه‌ای برای اداره کشور است. رئیس جمهور آینده باید آنچه که در طول ۳۴ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تجربه شده است و عامل موفقیت است را به کار بگیرد و آنچه که از تجارب ناکامی و ناموفق ماندن برنامه‌ها است را نداشته باشد؛ این روش، روش عقلاست. به نظر می‌رسد که این امتیازات، امتیازاتی است که در گذشته فی‌الجمله وجود داشت، یعنی بعضی از رئیس‌جمهورها برخی از این امتیازها را داشتند و برخی دیگر را نداشتند؛ ولی در هر حال محور این امتیازات و نقدها انصاف است و انصاف به ما حکم می‌کند که خوبی‌ها و نقاط ضعف همگان را ببینیم و در مجموع نمره دهیم. این امتیازات عبارتند از: ۱- "دلبستگی به جمهوری اسلامی ایران"؛ یعنی کسی که واقعا در پی رشد نظام اسلامی و باقی ماندن آبرومندانه آن باشد و رشد اسلام و اسلام‌گرایی را در جهان به

بنی صدر گفت من قانون را قبول ندارم که امام خمینی (ره) در واکنش به این حرف بنی صدر فرمودند "قانون تو را قبول ندارد". این مسئله بسیار مهمی است. امروز قوانین جمهوری اسلامی به دلیل اینکه امضای ولی فقیه را دارد، اجرای آن الزامی است و آحاد کشور، به خصوص کسی که می خواهد رئیس جمهور باشد، باید قانون را تمکین کنند. ۳- "استفاده از امکانات بیت المال و استفاده شخصی کردن از آنها" متأسفانه نقطه ضعفی است که در برخی از دولت ها مشاهده شد. برخی از روسای جمهور به سلیقه شخصی خود از بیت المال خرج می کردند. برخی از روسای جمهور گاه پول را خرج یک نفر می کردند؛ مانند اول انقلاب که رییس جمهور وقت به صراحت از مناقین حمایت می کرد. یا مثلاً اینکه به شخصی مدال بدهند، برخی مواقع نیز با اعتماد شخصی و شیفتگی که به یک شخص



حرف راست آنها نیز باور نمی شود. متأسفانه این مسئله در برخی دوره ها بوده است، زیرا برخی از روسای جمهور یا به اعتماد زیر مجموعه یا غیر از آن آمار غلط می دادند. کسی را باید برای کاندیداتوری و ریاست جمهوری برگزید که آمار دروغ به مردم ندهند، به این دلیل که مشکل دروغ در جامعه همه گیر می شود. ۱۰- خودشیفتگی و خود را همه کاره دیدن و صاحب نظر همه عرصه ها به ویژه در عرصه دین خود را صاحب نظر دیدن از دیگر آفت ها و نقطه ضعف است. همچنین کارهای خود را مطلقاً خوب دیدن و کارهای دیگران را

مطلقاً بد دیدن و زیر سؤال بردن از دیگر آفت ها و نقاط منفی برخی از روسای جمهور بعد از انقلاب است. ۱۱- "نداشتن برنامه و دچار روزمرگی شدن و شعار دادن" ویژگی منفی دیگری از روسای جمهور گذشته بود که مردم باید مراقب باشند. ۱۲- "ولنگاری فرهنگی، ولنگاری سیاسی، ولنگاری اقتصادی" نقاط ضعف برخی از روسای جمهور بود. کسانی که در پیشینه آنها ولنگاری ها دیده می شود، در شان آن نیستند که مورد گزینش مردم قرار گیرند. در پایان عرض می کنم که این امتیازات و نقاط ضعف روشن شد و به نظر می رسد که ۲۴ خرداد یک امتحان بزرگ الهی دیگر در راه است.

این امتحان بزرگ اگر با رعایت دو نکته همراه شود، مثل امتحان های دیگر مایه سربلندی مردم است: ۱- حضور گسترده و حضور با شکوه مردم، یک امتحان بزرگ خداست. نفس حضور و آنکه هر رایی که در صندوق ریخته می شود، خودش بیعت با نظام اسلامی است، بیش از انتخاب مهم است. ۲- نکته دوم مسئله انتخاب اصلح است. کسی که معیارهایی را که مقام معظم رهبری فرمودند. بنده نظر خودم را عرض می کنم. انتخاب یک محور نفی و یک محور اثبات دارد. بنده به صراحت می گویم که در انتخابات به جریان فتنه و منتسبین به جریان، هر کس که باشد رای نخواهم داد. همچنین به جریان انحراف و منتسبین جریان انحراف هر کس که باشد بنده رای نخواهم داد. خط قرمز ما در انتخاب این دو جریان است.

تا کنون شخصیت هایی به عنوان داوطلب انتخابات ریاست جمهوری یازدهم برنامه های خود را ارائه دادند. آیا شما می توانید به صورت مصدافی در مورد داوطلبان کاندیداتوری در انتخابات نظر خود را بفرمایید؟

به نظر می رسد که در انتخاب مصداق هنوز اظهار نظر زود است و بایستی نام نویسی ها شروع و معلوم شود که چه کسانی اسم می نویسند و شورای نگهبان نیز چه کسانی را تایید می کند. تاکنون در عرصه مصدافی به نتیجه نرسیده ام و فعلاً صبر می کنم تا انشاءالله در زمان خودش اگر لازم بود، بنده هم به عنوان یک شهروند کشور نظر خود را اعلام و اگر هم ضرورتی دیده نشد، مانند آحاد دیگر ملت پای صندوق رای رفته و رای خود را به صندوق بیاندازم و اظهار نظر نکنم.

توجه کند. ۷- "فدا کردن کشور پای یک جریان یا یک فرد"؛ کشور بر اساس قانون اداره می شود و سپردن اداره یک کشور به یک شخص واگذار کردن کاری نادرست بوده، به ویژه فردی که مسئله دار هم باشد. به هر حال این مسئله نقطه ضعف روسای جمهور است و رئیس جمهور آینده باید توجه کنند که کشور را فدای یک فرد یا حزب نکنند. چه آنهایی که از سوی

احزاب معرفی می شوند و چه آنها که خودشان کاندیدا می شوند، باید توجه داشته باشند که باید قانون کشور را اداره کنند، نه آنکه کسانی دولت در سایه باشند و آنها تصمیم بگیرند. ۸- التهاب آفرینی و ایجاد تنش در جامعه از سوی هر مسئولی و هر کسی که می خواهد رئیس جمهور شود، بد است. از نقاط ضعفی که برخی رئیس جمهورها داشتند، مسئله التهاب آفرینی است. به صورت مداوم چالش و تنش ایجاد کردن اصلاً خوب نیست و باید کسی را برگزید که این نقطه منفی را نداشته باشد. التهاب آفرینی در شان یک رئیس جمهور نیست. من معتقدم که گروه های ارزشی باید به صورت مشروط از کاندیدایی حمایت کنند و به صورت مکتوب بنویسند که ما با این شرطها از تو حمایت می کنیم و در آن به موارد زیر تصریح کنند: ۱- ولایت مداری ۲- قانونمداری ۳- زیست مردمی ۴- استکبارستیزی ۵- خدمتگزاری و خستگی ناپذیری از خدمت به مردم. گروه های ارزشی برای موارد فوق از شخص مورد نظر امضا بگیرند و در رسانه ها نیز منتشر کنند. بنده معتقد نیستم گروه های اصولگرا ولو به یک فرد رسیدند، به او بگویند به صورت مطلق حمایت می کنند. بلکه به او بگویند با پایبندی به اصول فوق حامی او هستند و اگر در عمل تخلفی از هر یک از این اصول از او دیدند به مردم اعلام کنند که او از قراردادی که داشتیم تخلفی کرده است. ۹- "دروغ" آفت هر حکومتی است و اگر مسئولان خدای ناکرده آمار دروغ و قول دروغ به مردم بدهند، اعتماد مردم به حکومت کم می شود و نتیجه این می شود که حتی

داشتند، امکانات زیادی از بیت المال را در اختیار او می گذارند. **برخی از روسای جمهور گاه پول را خرج یک نفر می کردند؛ مانند اول انقلاب که رییس جمهور وقت به صراحت از مناقین حمایت می کرد. یا مثلاً اینکه به شخصی مدال بدهند، برخی مواقع نیز با اعتماد شخصی و شیفتگی که به یک شخص با اعتماد شخصی و شیفتگی که به یک شخص داشتند، امکانات زیادی از بیت المال را در اختیار او می گذارند.** **برخی از هزینه های بیت المال صرف کارهای تبلیغاتی برای یک شخص یا یک حزب خاص برای انتخابات ریاست جمهوری می شود. به نظر شما باید در مقابل این اقدامات چه برخوردی صورت گیرد؟ و چه توصیه ای دارید؟**

قطعا خلاف شرع است. **اگر از ناحیه رئیس جمهور صادر شود، چه حکمی دارد و چگونه باید برخورد کرد؟** استفاده از امکانات بیت المال در جهت تبلیغات انتخاباتی خلاف شرع "بین" است. چه استفاده مادی و چه استفاده معنوی باشد. استفاده معنوی یعنی اینکه مردم اجتماعی با هدف دیگری برگزار کنند، ولی از آن استفاده تبلیغاتی شود. این مسئله هم خلاف شرع است و من به بعضی از کسانی که قدرت دارند تذکر می دهم که بدانند فردای قیامت نمی توانند در برابر این استفاده های شخصی از امکانات بیت المال پاسخگو باشند. و اما به دیگر نقاط ضعف بپردازیم: ۴- "نداشتن فکر جمعی و تمکین نکردن فکر جمعی و خود را صاحب نظر همه عرصه ها دیدن" از دیگر نقاط ضعف برخی از روسای جمهور گذشته است. هیچ کس و در هیچ جای دنیا در همه زمینه های مختلف سیاسی، دینی، اقتصادی و ... صاحب نظر نیست و از کارشناسان استفاده می کند. متأسفانه این نقطه ضعف در بعضی از روسای جمهور مشاهده شده است که خود را در همه عرصه ها صاحب نظر می دانند و به خود اجازه می دهند که در همه عرصه ها به خصوص مسائل دینی و حتی مسائل فقهی وارد شوند. ۵- "سردادن شعارهای لیبرالی و عملکرد لیبرال منشانه" از دیگر نقاط ضعف برخی از روسای جمهور بود. همچنین عملکرد سکولار داشتن نقطه ضعفی بوده که در بعضی از روسای جمهور دیده شده است. ۶- "تغییر شعارهای اصلی انقلاب" یک نقطه ضعف بوده و هست و نفس احیای شعارهای انقلاب نیز یک ارزش است. از این رو، چه کسی رئیس جمهور شود و چه کسی رئیس جمهور نشود باید به این مسئله

سلیمانی از خوب و بد رئیس جمهور می گوید :



خرید نمایندگان

آغاز سرایشی احمدی نژاد

"دانشگاه علم و صنعت، آزمایشگاه آنتن" آدرسی است که محمد سلیمانی پدر دانش بومی ساخت ماهواره و وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت نهم به خیلی از رسانه‌ها برای مصاحبه داده است. ظهر یک روز بهاری به آزمایشگاه آنتن رفتیم تا از یک استاد دانشگاه، نقاط قوت و ضعف همکار دیگرش (احمدی نژاد) که پیشتر محل کارش در دانشکده مهندسی عمران، طبقه سوم - اطاق ۳۹۷ بود، بپرسیم؛ همکاری که از پای صندلی های همین دانشگاه به کرسی استادی رسید و پس از آن بهشت و پاستور را در نوردید تا در کارنامه اش شهرداری تهران و ریاست جمهوری را نیز ثبت کند. اگرچه این روزها تیغ نقد تیز است و با نزدیک شدن به روزهای انتخابات تیغ‌هایی هست که روزی چندبار تیز می‌شوند ولی محمد سلیمانی که ۴ سال با احمدی نژاد همراه بوده، همواره سعی کرده است در نقد دولت جانب انصاف و عدالت را حفظ کند. همین ویژگی باعث شد تا به سراغش برویم و با او به گفت‌وگو بنشینیم.

اجازه نمی‌دادند فرد دیگری وارد این حلقه مدیریتی شود. مردم می‌دیدند که یک فرد ۱۶ سال وزیر است و اگر همین‌طور ادامه پیدا کند، تا پایان عمرش وزیر می‌ماند. اینها بخشی از ضعف‌های اساسی بود. به نظر آقای احمدی نژاد توانست از این ضعف‌ها و فرصت‌ها به خوبی استفاده کند. او آمد و گفت که "مردم من می‌خواهم عدالت را بیاورم، تبعیض را بردارم، شما را در امور مشارکت بدهم، حلقه مدیریتی را بشکنم، دست غارتگران بیت‌المال را از بیت‌المال کوتاه کنم، آرمان‌های امام را زنده کنم، انقلاب اسلامی را به ریل اصلی خودش برگردانم، در برابر مستکبرین محکم بایستم، پیشرفت و عزت و سربلندی را به ارمغان بیاورم". سردادن این تیپ شعارهای انقلاب، نظام و رهبری در شرایطی که این ضعف‌ها و نواقص بود و مردم هم جای خالی این شعارها را حس کرده بودند، مورد توجه مردم قرار گرفت و مردم از این شعارها استقبال کردند و به ایشان روی آوردند و حماسه سوم تیر را خلق کردند.

شما آشنایی ۲۰ ساله با آقای احمدی نژاد در دانشگاه علم و صنعت داشتید. احمدی نژاد آن روزها چه ویژگی‌هایی داشت؟

آقای احمدی نژاد سالها قبل از اینکه رئیس جمهور شود، دانشجوی دانشگاه علم و صنعت بود و بعد

باید قانون اساسی اصلاح شود. اصلاحاتی که این افراد می‌خواستند، در قانون اساسی بیاید، به ضرر مردم و به نفع یک گروه خاص بود. به عنوان مثال به جد به دنبال افزایش اختیارات رئیس جمهور بودند. حتی لایحه و طرح دادند. این افراد هیچگاه نیامدند و بگویند این بند قانون اساسی که می‌گوید "زمانی که فردی به تصدی وزارت می‌رسد، علاوه بر خودش، بستگان درجه یکشان (همسر و فرزندان) اموال و املاک و دارایی‌هایشان را به قوه قضائیه ارائه کنند و قوه هر ساله وضعیت مالی آنان را چک بکند" را اصلاح کنیم و

دولت با انحلال سازمان برنامه و عدم جایگزین برای آن، سازمان را به حالت نیمه‌جان رها کرد. همین نیمه‌جان رها کردن باعث ضرر کشور و دولت شد. در دولت دهم هم کشور از این ناحیه ضربه خورد و بعد مجبور شد همان سازمان را احیا کند تا وضعیت سابق مجدداً حاکم شود. دولت کار بزرگی را شروع کرد ولی رهایش کرد و نتوانست تمامش کند. ای داد و پیداد...

بررسی وضع مالی نمایندگان مجلس را نیز شامل این قانون کنیم. این افراد چنین چیزی بیان نکردند. مجموعه این مسائل شرایطی را بوجود آورد که مردم احساس کردند کشور هم چماق را می‌خورد و هم هویج را، یعنی هم این آقایان که آمدند، به خودشان می‌پردازند و به فکر مردم نیستند و هم اینکه از گفتمان انقلاب انحراف جدی صورت گرفت و تبعیض حکمفرما شد. شما اگر به فضای سال‌های ۷۵ تا ۸۳ بازگردید، می‌بینید که تبعیض در حلقه مدیریتی غوغا می‌کند. در این دوران ۱۰۰ نفر بر کشور حاکم بودند و به هیچ‌وجه

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی ابتدای سال جدید فرمودند که رئیس جمهور بعدی باید آنچه اکنون برای رئیس جمهور فعلی نقاط مثبت شناخته می‌شود را داشته باشد و آنچه نقاط منفی و ضعف یاد می‌شود را نداشته باشد. ابتدا بفرمایید زمانی که آقای احمدی نژاد در سال ۸۴ به ریاست جمهوری انتخاب شدند، دارای چه ویژگی‌های مثبتی بودند که موجب شد مردم رأی خود را متوجه وی کنند؟

برای پاسخ به این سوال ابتدا بایستی دو طرف ماجرا را ببینیم. یکی سوال شماست که آقای احمدی نژاد چه ویژگی‌هایی داشت و دیگری اینکه اصلاح طلبان و کارگزارانی‌ها چه کرده بودند که مردم خواهان تحول در سیاست‌ها و حرکت در راستای گفتمان امام و رهبری شدند. این جنبه هم مهم است. اگر شما به گذشته بازگردید، مشاهده خواهید کرد که در دوران سازندگی و اصلاحات یکسری انحرافات از مسیر انقلاب، آرمان‌های امام و رهنمودهای رهبری صورت گرفته بود. به عنوان مثال در بحث هسته‌ای، فضا طوری شده بود که فناوری هسته‌ای قفل شده بود و با بیابانه سعدآباد همه چیز را تعطیل کردند. در بحث اقتصاد کشور، دولت اصلاحات به طور

کل اقتصاد، عمران، آبادی و سازندگی را رها کرد و فقط به مسائل سیاسی و بحث‌هایی مثل آزادی فردی و جامعه مدنی می‌پرداخت. در آن دو دوره، متأسفانه عده‌ای از مدیرانی که در انقلاب بودند، به خودشان پرداختند و به چرب و شیرین دنیا مشغول شدند. این مدیران شروع به جمع کردن مال و منال و ثروت برای خودشان کردند. این مشغولیت مدیران به چرب و شیرین دنیا، رفته‌رفته به فرهنگ تبدیل شد و مردم این موضوع را لمس کردند. در کنار این نیز عده‌ای هم دنبال کسب قدرت رفتند و گفتند

استاد همین دانشگاه شد. ایشان در آن دوران یک استاد بسیجی درجه یک بود که در راه‌اندازی بسیج اساتید نقش محوری داشت. تفکر احمدی نژاد کاملاً بسیجی بود. او کسی بود که اندیشه، فکر و عمل داشت. از نظر ویژگی‌های فردی هم، شخصیتی ساده‌زیست، مردم‌دار، هوشیار و توانمند بود.

در دوران شهرداری هم آقای احمدی نژاد این ویژگی‌ها را حفظ کردند؟

حقیقتاً من زیاد در جریان اقدامات آقای احمدی نژاد در شهرداری نبودم و اطلاع زیادی در این زمینه ندارم ولی از دور

که آشنا بودم، می دانم این ویژگی ها را حفظ کرده بود.

؟ در دولت نهم و دهم آقای احمدی نژاد چه ویژگی هایی

داشتند. آیا آن ویژگی ها حفظ شده بود؟

در دولت نهم آقای احمدی نژاد همان روحیات را داشت؛ خودش را وقف مردم کرد، کار اقتصادی برای خودش انجام نداد، فرزندانش مانند فرزندان دیگران زندگی و کار و ازدواج نکردند. احمدی نژاد در دولت نهم حلقه مدیریتی را شکاند، با مافیاهای قدرت و ثروت واقعاً در افتاد و تلاش کرد اصلاحاتی را در نظام کشور ایجاد بکند و تا حدی هم موفق شد. یکی از عرصه هایی که احمدی نژاد برای اصلاح آن ورود پیدا کرد سازمان مدیریت و برنامه ریزی بود که رئیس جمهور آن را منحل کرد. به نظرم این یک اقدام انقلابی و شجاعانه بود ولی ایرادش ادامه ندادن و عدم جایگزین برای آن بود. دولت با انحلال سازمان برنامه و عدم جایگزین برای آن، سازمان را به حالت نیمه جان رها کرد. همین نیمه جان رها کردن باعث ضرر کشور و دولت شد. در دولت دهم هم کشور از این ناحیه ضربه خورد و بعد مجبور شد همان سازمان را احیا کند تا وضعیت سابق مجدداً حاکم شود. دولت کار بزرگی را شروع کرد ولی رهاپیش کرد و نتوانست تمامش کند. ای داد و بیداد...

مثال دیگری بنرم. دولت نهم در رابطه با اصلاحات بانکی قدم هایی را برداشت ولی ساختار را نتوانست

درست کند، یعنی پیش نرفت و یک مرتبه رهاپیش کرد. این رها کردن مانند فزنی شد که تحت فشار قرار گرفته و یک مرتبه رها می شود و به جای سابقش بازمی گردد. در دو-سه سال اخیر دولت دهم می بینیم که باز بانک ها همان نقش تسلط کامل بر نقدینگی کشور را پیدا کرده و نقش محوری را در اقتصاد کشور بازی کردند. آقای احمدی نژاد هم دیگر نتوانست کار را جمع بکند و این مساله هم به ضرر کشور تمام شد.

البته دولت دهم هم ویژگی های خاص خودش را دارد. به عنوان مثال در دولت نهم

احمدی نژاد در مسکن کاری نکرد البته به نظر من وزیري که برای مسکن منصوب کرده بود، ضعیف بود، اما در دولت دهم این کم کاری جبران می شود. برجستگی دولت دهم نسبت به دولت نهم، مسکن مهر است. علتش هم این است که آقای احمدی نژاد برای مسکن مهر، جوانان را به کار گرفت. این هم به سابقه دولت نهم بازمی گردد که احمدی نژاد جوانان را خوب به کار گرفت؛ جوان هایی به میدان آمدند و حلقه های مدیریتی شکسته شد. این جوانان که در دانشگاه علم و صنعت یک مرکز تحقیقات کوچک درست کرده بودند، ایده مسکن مهر را دادند. در دولت نهم فضا و بستر این ایده فراهم نشد ولی در دولت دهم این انجام گرفت البته این را هم باید بگویم که آقای احمدی نژاد هر جا ضربه خورده، جایی است که یا از دولت های اصلاحات و سازندگی پیروی کرده یا از مهره های دولت سازندگی و اصلاحات استفاده کرده است.

؟ مثال می زنید؟

یکی از مثال ها همان بخش مسکن است. وزیر دولت نهم کسی بود که در دولت قبلی وزیر بوده است. در راه سازی هم



در این زمینه خیلی حرکتی انجام نشد ولی دولت دهم در حوزه آموزش و پرورش کارهای خوبی انجام داد و رضایت نسبی را بوجود آورد.

؟ آیا احمدی نژاد ۹۲ با

احمدی نژاد ۸۴ تفاوتی در

حوزه عملکرد کرده است؟

در این روند ۲ بحث مطرح است. یکی عملکرد دولت و دیگری گفتن محوری آن.

در حوزه عملکرد و کار و

تلاش و... دولت تغییری نداشت و حتی دولت دهم نقاط برجسته خیلی خیلی زیادی دارد ولی دولت دهم از دولت نهم از منظر کابینه و ساختار خیلی ضعیف تر است. آمار و ارقام می گوید که فعالیت های دولت نهم خیلی گسترده تر بود. ما در دولت دهم یک اُفت کاملاً مشهود را نسبت به دولت نهم می بینیم ولی همین دولت دهم را اگر یک انسان منصف با دولت سازندگی و اصلاحات مقایسه کند، خواهد فهمید که دولت دهم ۱۰ سر و گردن از آن دولت ها بالاتر است و دستاوردهایش نیز خیلی خیلی بیشتر است.

؟ چه عواملی باعث شد که حجم انتقادات به دولت

بالا رفت. به نظر شما دولت در حوزه هایی وارد شد

که تنش زا بود؟

من از نظر عملکردی گفتم. از نظر گفتن دولت دهم یک اُفت بسیار شدید محسوس در حوزه های مختلف دارد ولی همین اُفت گفتن هم به پیاده سازی و عمل نرسیده است. وزیرای دولت دهم افرادی ولایت مدار هستند که کارشان را انجام می دهند ولی متأسفانه دولت دهم برای خودش خیلی حاشیه درست کرد. یک سری از این حاشیه ها را خود دولت برای خودش درست کرد و یک سری هم دیگران برایش درست کردند. در دولت نهم خیلی ها تلاش کردند برای دولت حاشیه

درست کنند ولی نتوانستند. در عوض در دولت دهم به نظرم مخالفین به خوبی توانستند برای آقای احمدی نژاد حاشیه درست کنند البته آقای احمدی نژاد هم آمادگی خودش را نشان داد و در حاشیه ها به خواست مخالفین خودش بازی کرد و متأسفانه این اتفاقات افتاد. یکی از حاشیه های خود ساخته دولت طرح مکتب ایرانی بود. این مساله چه نفعی به کسی دارد؟ این مکتب نه گفتن مردم پسندی و نه نخبه پسندی است. اصلاً کسی آن را مطالبه نمی کند. این مساله را جز دشمن چه کسی مطالبه می کند؟ هر چند که این طرح مکتب ایرانی در حد حرف است و هیچ جایی هم مطرح نیست ولی کار دست دولت داد.

؟ این یکی از حاشیه های خود ساخته دولت بود؟

از این دست حاشیه سازی ها زیاد دادند. حاشیه های اینگونه زیاد دور و بر خودشان درست کردند.

؟ جریانات سیاسی و مخالفین آقای احمدی نژاد چه حاشیه هایی

توانستند برای دولت ایجاد کنند؟

یکی از حاشیه هایی که ایجاد کردند، طرح سوال از رئیس جمهور

وزیر دولت اصلاحات که وزیر راه خاتمی هم بود، در ۲ سال اول کار چندانی نکرد. در ۲ سال آخر دولت نهم است که درخشندگی در ساخت و ساز راه و ترابری داریم. آقای بهبهانی پس از تصدی وزارت یکسری نیروی جوان را به کار می گیرد و از آنجا حرکت پرشتاب آغاز می شود. مثال دیگر در بانک مرکزی است. آقای احمدی نژاد رئیس کل بانک مرکزی را عوض نکرد. بعد وزیر دولت خاتمی رئیس بانک مرکزی می شود. به همین دلیل هم می بینید در بخش بانک ها اقدام خیلی مهمی صورت نمی گیرد. اگر خوب دقت کنیم،

در دولت نهم خیلی ها تلاش کردند برای دولت حاشیه درست کنند ولی نتوانستند. در عوض در دولت دهم به نظرم مخالفین به خوبی توانستند برای آقای احمدی نژاد حاشیه درست کنند البته آقای احمدی نژاد هم آمادگی خودش را نشان داد و در حاشیه ها به خواست مخالفین خودش بازی کرد و متأسفانه این اتفاقات افتاد.

متوجه می شویم هر جایی که آقای احمدی نژاد از حلقه های مدیریتی گذشته استفاده کرده، ضربه خورده است ولی هر کجا نیروهای جدید با فکر جدید و همراستا با گفتن سوم تیر را به میدان آورده، موفق شده است.

بینید در حوزه ارتباطات چه اتفاقاتی افتاد؟ همه می گویند انقلابی در این حوزه اتفاق افتاده است. در حوزه بهداشت و درمان واقعاً انقلاب صورت گرفت و مردم خیلی استفاده کردند و رضایت داشتند. در حوزه وزارت بازرگانی تحول ایجاد شد. وزارت بازرگانی بسیار مراقب بود که در شب عید چیزی گران نشود. شما اگر ۴ سال دولت نهم را زیر ذره بین بگذارید و بررسی بکنید، متوجه می شوید که کنترل و تنظیم بازار در دولت نهم بسیار خوب انجام گرفت ولی در دولت دهم در این زمینه ضعف داریم. در دولت نهم در حوزه آموزش و پرورش خیلی اقدامی صورت نگرفت زیرا وزرا تغییر کردند و آقای احمدی نژاد یا نتوانست افراد توانمندی جذب کند یا افراد جذب شده، به جریانات سیاسی خاص وابسته بودند، بنابراین نتوانستند کاری بکنند لذا در دولت نهم

در مجلس هشتم بود. وقتی این اتفاق می افتد، کنار آن شروع به حاشیه سازی می کنند. همین چند ماه پیش دوباره سوال از رئیس جمهور مطرح شد. این سوال چه نفعی برای کشور داشت؟ شروع این حاشیه سازی ها از برخی نمایندگان مجلس آغاز شد و بعد آقای احمدی نژاد در آن بازی کرد. یا در یکشنبه سیاه مجلس و عزل وزیر کار، آقای رئیس جمهور به عنوان یک طرف بازی عمل کرد. این حاشیه ها برای کسی نفعی ندارد ولی آقای احمدی نژاد متأسفانه خوب بازی کرد.

مقام معظم رهبری مردمی بودن، سفرهای استانی، پرکاری، شجاعت، استکبارستیزی و عدالت طلبی را جزو ویژگی های مثبت دولت برشمردند. آیا این ویژگی ها در تمام عمر دو دولت احمدی نژاد یکسان بوده است؟

به عنوان مثال پرکاری و پر تلاشی دولت نهم خیلی بود که در دولت دهم هم ادامه داشت ولی در سال گذشته سفرهای استانی چند ماه قطع شد. پس پرکاری دولت آفت پیدا کرده است، یعنی آن پرکاری و پر تلاشی در سال آخر دولت آفت چشمگیری و قابل توجهی پیدا می کند؛ برای اینکه دولت درگیر آن حاشیه ها و جمع کردن آن ها است.

در استکبارستیزی و عدالت طلبی دولت تغییری رخ داد؟

در عدالت طلبی دولت، همه برنامه ها به نفع عموم مردم بوده است. به عنوان مثال در دولت نهم یا دو سال اول دولت دهم آقای رئیس جمهور حواسش جمع است که در اقتصاد مردم مشکلی پیش نیاید. همین که می خواهد مشکلی پیش بیاید، بسیج می شود و مشکل را جمع می کند ولی در سال ۹۰ و ۹۱ این پیچ و مهره شل می شود و دیگر دولت در برخی از زمینه ها به موقع عمل

نمی کند و حتی در زمینه هایی خودش باعث یکسری به هم ریختگی در اقتصاد می شود. این مسائل نشان از آفت دولت دارد. در تابستان سال ۹۱ تا پائیز وضعیت اقتصاد کشور یله و رها بود و دولت راجع به همه مسائل اقتصادی سکوت کرد، یعنی نه عمل می کند و نه کنترل می کند و نه محکم وارد میدان می شود تا این بحرانی را مهار کند. دولت و عدالت طلبی در اینجا ضربه خورد. وقتی در سال ۹۱ این مشکلات در اقتصاد ایجاد شد، عده ای از آن سود و بهره بردند و خودشان را چاق کردند و اثرات تبعیض و بی عدالتی را داخل میدان آوردند.

آقای احمدی نژاد بارها تاکید داشت که تحریم ها هیچ تاثیری ندارد و جمله معروفی هم داشتند که آنقدر قطعنامه بدهید که قطعنامه دانتان پاره شود اما در سال ۹۰ و ۹۱ خیلی تاکید داشت که تحریم ها ما را از پا در آورده و اثرگذاری آن بسیار زیاد است...

نه! به نظرم ایشان هیچ کدام از این دو حرف را به این صورت نگفت. الان هم ملت ایران به آمریکا می گوید که هر چقدر می خواهید قطعنامه دهید. این زبان ملت ایران است. ما از تحریم نمی ترسیم. اینکه تحریم در اقتصاد ما اثر گذاشته را هیچ کس نفی نمی کند. آقای احمدی نژاد اینگونه نگفته که شما می گویند، بلکه گفته است که "الان شرایط، شرایط سختی است". درست هم می گوید. الان خود غربی ها می گویند تحریم ها فلج کننده است. هر کدام از تحریم های علیه ایران علیه کشورهای دیگر انجام شده بود، مطمئن باشید تسلیم می شد.

آقای احمدی نژاد در ابتدای حضورش در دولت تاکید زیادی بر ارتباط مجلس و دولت داشت. به عنوان مثال پس از عدم رای مجلس به چند وزیر دولت، رئیس جمهور گفت بررسی مجلس موشکافانه بود اما رفته رفته این ارتباط تیره شد تا جایی که دولت در سال ۸۶ گفت مجلس با وضع قوانین نمی تواند تصمیمات دولت را تو کند. نهایتاً در سال ۸۹ نیز گفت که مجلس در راس امور نیست. چرا رئیس جمهور با مجلس زاویه پیدا کرد؟ آیا این مسئله را می توان به عنوان یکی از نقاط ضعف رئیس جمهور برشمرد؟

برای اینکه مجلس مخالف دولت است. مجلس جناحی و سیاسی عمل می کند. عدم همکاری مجلس با دولت یکی از نقاط نشان دهنده مظلومیت آقای احمدی نژاد است. به نظر من مجلس بیش از حد در امور اجرایی دخالت می کند. مدیریت و هیئت رئیسه مجلس واقعاً خیلی بیش از آنچه می توانست، پا در کفش دولت می کند. البته من کار احمدی نژاد را تائید

نمی کنم. اینکه آقای احمدی نژاد می گوید قانون را اجرا نمی کنم یا قانون را ابلاغ نمی کند، خطا و مزخرف است ولی اینها معلولند. شما نگاه کنید که در سال ۹۱ عمده مصوبات مجلس در حوزه اقتصاد، بستن دست دولت است. به نظرم ما باید متصفانه صحبت کنیم. معتقدم داستان تلاش برای خرید نمایندگان با ۵ میلیون تومان نقطه و سر آغاز سراسی احمدی نژاد است.

آقای احمدی نژاد می گویند ما نمایندگان را با ۵ میلیون تومان خریدیم. اینها نمایندگان جوانان، برخی نمایندگان در مجلس هنگام سخنرانی رئیس جمهور "دو دو" کردند. معظم رهبری درباره این اقدام به مجلس تذکر دادند اما باز هم با رئیس جمهور برخورد بدی شد.

ما نباید بگوئیم مجلس. متأسفانه اینها یک عده هستند. کلیت مجلس اینگونه نیست ولی یک شرایطی بر مجلس حاکم می شود و یک هیئت رئیسه خاصی حاکم می شود، که آدم های پرخاشگر محور می شوند و این اتفاقات می افتد. به نظر من این یک گیر در ساختار مجلس است. باید ساختار مجلس اصلاح شود و اگر نشود، باز هم این اتفاقات می افتد. البته این را بگویم که معتقدم که آقای احمدی نژاد هم نباید عکس العملی برخورد می کرد. مجلس در خیلی اوقات آقای احمدی نژاد را به حاشیه برده و برای وی حاشیه درست کرده است و آقای احمدی نژاد هم خوشش آمده و در آن حاشیه ها بازی کرده و چوبش را خورده است.

برخورد دولت با پدیده فساد با توجه به اینکه آقای احمدی نژاد از ابتدای دولتش تاکید داشتند که دست رانت خواران را از

نمی کند و حتی در زمینه هایی خودش باعث یکسری به هم ریختگی در اقتصاد می شود. این مسائل نشان از آفت دولت دارد. در تابستان سال ۹۱ تا پائیز وضعیت اقتصاد کشور یله و رها بود و دولت راجع به همه مسائل اقتصادی سکوت کرد، یعنی نه عمل می کند و نه کنترل می کند و نه محکم وارد میدان می شود تا این بحرانی را مهار کند. دولت و عدالت طلبی در اینجا ضربه خورد. وقتی در سال ۹۱ این مشکلات در اقتصاد ایجاد شد، عده ای از آن سود و بهره بردند و خودشان را چاق کردند و اثرات تبعیض و بی عدالتی را داخل میدان آوردند.

آقای احمدی نژاد بارها تاکید داشت که تحریم ها هیچ تاثیری ندارد و جمله معروفی هم داشتند که آنقدر قطعنامه بدهید که قطعنامه دانتان پاره شود اما در سال ۹۰ و ۹۱ خیلی تاکید داشت که تحریم ها ما را از پا در آورده و اثرگذاری آن بسیار زیاد است...

نه! به نظرم ایشان هیچ کدام از این دو حرف را به این صورت نگفت. الان هم ملت ایران به آمریکا می گوید که هر چقدر می خواهید قطعنامه دهید. این زبان ملت ایران است. ما از تحریم نمی ترسیم. اینکه تحریم در اقتصاد ما اثر گذاشته را هیچ کس نفی نمی کند. آقای احمدی نژاد اینگونه نگفته که شما می گویند، بلکه گفته است که "الان شرایط، شرایط سختی است". درست هم می گوید. الان خود غربی ها می گویند تحریم ها فلج کننده است. هر کدام از تحریم های علیه ایران علیه کشورهای دیگر انجام شده بود، مطمئن باشید تسلیم می شد.

نمی کنم. اینکه آقای احمدی نژاد می گوید قانون را اجرا نمی کنم یا قانون را ابلاغ نمی کند، خطا و مزخرف است ولی اینها معلولند. شما نگاه کنید که در سال ۹۱ عمده مصوبات مجلس در حوزه اقتصاد، بستن دست دولت است. به نظرم ما باید متصفانه صحبت کنیم. معتقدم داستان تلاش برای خرید نمایندگان با ۵ میلیون تومان نقطه و سر آغاز سراسی احمدی نژاد است.

آقای احمدی نژاد می گویند ما نمایندگان را با ۵ میلیون تومان خریدیم. اینها نمایندگان جوانان، برخی نمایندگان در مجلس هنگام سخنرانی رئیس جمهور "دو دو" کردند. معظم رهبری درباره این اقدام به مجلس تذکر دادند اما باز هم با رئیس جمهور برخورد بدی شد.

اقتصاد کشور کوتاه می کند و اولتیماتوم هایی که به مفسدین می داد و می گفت اجازه نمی دهیم خودروهای ۵۰۰ میلیونی وارد کشور شود، چگونه بود؟

به نظرم آقای احمدی نژاد در مقابله با فساد در دولت نهم و یکی دو سال اول دولت دهم، خیلی نقش داشت و خیلی مبارزه کرد ولی بعد رها کرد یعنی الان هم سیستم رهاست. تفاوتش این است که آقای احمدی نژاد خوب شروع کرد و تا یک حدی هم جلو رفت ولی ناگهانی مبارزه را رها کرد و به حرف و شعار بسنده کرد. و دیگر روی اصلاح سیستم و اصلاح ساختار و گلوگاه ها خیلی کار نکرد و بیشتر به معلول ها پرداخته است.

به نظر شما عملکرد آقای احمدی نژاد در سال ۹۰ و ماجرای خانه نشینی اش چقدر در مشکلات دولت اثر داشت؟

قبل از خانه نشینی حتماً مشکلاتی بوده که این خانه نشینی اتفاق افتاده است. این اقدام جزو خبط ها و اشتباهات بزرگ احمدی نژاد است که نفر دوم کشور است، به حساب می آید.

این خطای بسیار بسیار بزرگی بود که آقای احمدی نژاد نتوانست جبران کند. باید این خطا و اشتباه بزرگ را جبران می کرد ولی نکرد. اگر جبران کرده بود، خیلی به نفعش بود.

سال ۸۸ پس از معرفی آقای مشایب به سمت معاون اولی، مقام معظم رهبری طی نامه ای به رئیس جمهور پیش بینی کردند که تصدی پست معاون اولی آقای مشایب باعث ریزش هواداران دولت می شود. آیا اصرار بر ماندن مشایب پایگاه اجتماعی دولت را تغییر داد؟ پایگاه اجتماعی دولت خیلی تغییر کرد.

آلان پایگاه اجتماعی آقای احمدی نژاد چقدر است؟

ارزیابی ای ندارم ولی به نظرم در محیط دانشگاهی که تقریباً هیچ پایگاهی ندارد. من به دلیل ارتباطم با جوانان می دانم در بدنه دانشجویی طرفداری ندارد، البته عده ای هم هستند که آقای احمدی نژاد را دوست دارند ولی پیرو اش نیستند و اصطلاحاً برایش سینه نمی زنند. من اطلاعی ندارم که در جامعه هم اینگونه هست یا نیست.

شما از وزرای دولت نهم بودید که رئیس جمهور تمایل به همراهی شما در دولت دهم را داشتند. علت کناره گیری شما از دولت آقای احمدی نژاد چه بود؟

اول اینکه من خودم معتقدم ۴ سال برای وزارت کافی است. در کار اجرایی کلان کشور و نظارت ۴ سال کافی است و تجربه ۴۰۰-۵۰۰ ساله حکومت داری دنیا نشان می دهد که این شیوه درست است.

دوم اینکه هر نفری، چه وزیر و چه رئیس جمهور، در دور دوم آفت دارد و سوم اینکه عقل نیز می گوید که انسان باید یک جا نباشد و انسان وقتی در اوج قدرت است، اگر تعویض شود، به نظر من بهتر است تا اینکه به نقطه حسیض برسد و سپس تعویض شود. وزرای که از دولت نهم در دولت دهم باقی ماندند، یا با اصرار خودشان و یا با اصرار دولت، در دولت ماندند، عاقبت به خیر نشدند.

یکی از مباحثی که شاید در کشور به آن زیاد توجه نشده است، عدم محبوبیت روسای جمهور از سال ۶۸ به بعد در نگاه

متدینین است. علت این مساله چیست؟

برای اینکه چه وزرا و چه روسای جمهور در دور دوم خیلی مغرور می شوند و اتفاق درونی در آنها صورت می گیرد.

ما در حال حاضر در روزهای پایانی دولت قرار داریم. چند روز پیش آقای احمدی نژاد گفتند که ما تازه اول راه هستیم و اگر گوشه پرونده هایمان را بالا بدهیم، فلان و فلان می شود. این مسائل و جشن استادیوم آزادی شائبه انتخاباتی بودن اقدامات دولت را تقویت می کند...

اینها مهم نیست. هر کس رئیس جمهور بوده به این صورت صحبت کرده است. در سال های پایانی دولت سازندگی نیز می خواستند قانون اساسی را عوض کنند که رئیس جمهور دوره سوم هم بتواند رئیس جمهور شود.

دولت آقای احمدی نژاد چه ویژگی هایی را داشتند که در دولت های قبلی آن ویژگی ها وجود نداشت؟

احمدی نژاد حلقه مدیریت باندی و جناحی را شکست البته الان ممکن است این حلقه دوباره شکل گرفته باشد ولی احمدی نژاد در این ۵-۶ سال اول انقلابی به پا کرد. علاوه بر این احمدی نژاد کشور را هسته ای کرد. واقعاً دولت های قبلی به سمت نزول رفتند. دولت نهم کشور را فضایی کرد. اینها جزو افتخارات و

نکات مثبت است. سفرهای استانی از دیگر نقاط مثبت دولت بود. در آن زمان دیدار و ملاقات با مدیرکل هم امکان پذیر نبود و یا به سختی فراهم می شد. حدود ۲۰ سال پیش رفتم تا رئیس بنیاد مستضعفان را ببینم. در طبقه هفتم ما را پیاده کردند و گفتند باید سه طبقه هم پیاده بروید ولی در دولت نهم و دهم وزیر خودش به مغازه می رفت و خرید می کرد. یک بار من برای خرید به مغازه ای رفتم. طرف من را شناخت و به من گفت شما تنها آمدید؟ گفتم بله! مغازه دار از مغازه بیرون آمد و دید من تنها آمدم. دقیقاً با این اصطلاح که "مگر می شود؟"

تعجب خودش را نشان داد. در دولت احمدی نژاد رابطه بین مردم و دولت کاملاً در راستای آرمان های انقلاب و همان چیزی که امام و رهبری می خواستند اتفاق افتاد و مردم دیدند که فردی از جنس خودشان در دولت است. جاهایی از این کشور وجود دارد که وزیر دولت نهم به آنجا رفته ولی حتی مدیرکل هم به آنجا نرفته است. مردم به ما می گفتند اگر کاری هم برای ما نکردید، همین که آمدید قدمتان بر روی چشم ما. مردم ما خیلی خاضع، بزرگ و فهمیده هستند. به نظرم در دولت نهم و دهم این کارها اتفاق افتاد. شما اگر در مسیر روستایی بروید، کاملاً مشخص است که خانه های روستایی اکثرآ تازه ساز شدند. سفر به مناطق محروم و رسیدگی به نقاط محروم و کمتر توسعه یافته تنها در دولت نهم و دهم اتفاق افتاد ولی در دولت های قبلی مسئولین فقط در تهران بودند و همه حرف شان این بود که شهردار تهران هم عضو هیئت دولت شود. در هر صورت دولت نهم و دهم مزیت هایی دارد که باید در دولت یازدهم نیز ادامه پیدا کند.

ویژگی ها و امتیازهای دولت نهم و دهم باید در دولت یازدهم استمرار داشته باشد. کسی که به عدالت اعتقاد ندارد و کسی که فقط به فکر اطرافیان خودش است، نباید مدیریت کشور را بر عهده بگیرد. این افراد اصلاً در دولت نهم وجود نداشتند ولی در آخر دولت یک مقداری این مساله ایراد پیدا کرده است. در دولت های قبلی این مسائل اصلاً اهمیت نداشت و اگر کسی مدیر می شد، با ماشینش به مردم خاک می داد. در دولت احمدی نژاد خیلی خدمت شد و مردم این خدمات را لمس کردند. به عنوان مثال مسکن مهر و سهام عدالت کارهای بسیار بزرگی بود؛ همچنین طرح ها و پروژه هایی که در دولت نهم و دهم انجام شد،

در دولت احمدی نژاد رابطه بین مردم و دولت کاملاً در راستای آرمان های انقلاب و همان چیزی که امام و رهبری می خواستند اتفاق افتاد و مردم دیدند که فردی از جنس خودشان در دولت است. سفر به مناطق محروم و رسیدگی به مناطق کمتر توسعه یافته تنها در دولت نهم و دهم اتفاق افتاد ولی در دولت های قبلی مسئولین فقط در تهران بودند و همه حرف شان این بود که شهردار تهران هم عضو هیئت دولت شود.

عموماً طرح های مردمی بود، یعنی چندین میلیون نفر را تحت پوشش خدمات و امکانات قرار می داد. شما از هر بازنشسته ای که پرسید، متوجه می شوید که وضع آنها در دولت نهم بهتر شد البته این مسائل نسبی است ولی در دوره ای بعضی ها می گفتند که فقیر فقرا باید بمریند و آنها را به دریا بیندازیم. در این دولت مطرح شد که امکانات کشور متعلق به همه است. این نگرش مربوط به گفتمان برجسته سوم تیر است. البته گفتمان قانون اساسی به نفع یک گروه خاص، اقدامات ضد فرهنگی، غیر سیاسی کردن دانشگاه ها و ... از دولت سازندگی شروع می شود. آنها می گفتند که فقیر فقرا باید بمریند و آنها را به دریا بیندازیم.

نگاه

- اگر به فضای سال های ۷۵ تا ۸۳ بازگردید، می بینید که تبعیض در حلقه مدیریتی غوغا می کند و ۱۰۰ نفر بر کشور حاکم بودند که اجازه نمی دادند فرد دیگری وارد این حلقه مدیریتی شود.
- احمدی نژاد هر جا ضربه خورده، جایی است که یا از دولت های اصلاحات و سازندگی پیروی کرده یا از مهره های آنان استفاده کرده.
- در هیئت دولت تقریباً ۹۰ درصد انسان های پاک، کاری، مردمی و... هستند ولی در یکی دو سال اخیر آن ده درصد به دلیل ارتباطی که با بدنه قدرت پیدا کرده است، به بقیه مسلط شده است.
- اشتباه بزرگ دوبت این بود که دوستان خود را کنار گذاشت؛ به همین دلیل ضربه خورد.
- نمره دولت نهم ۲۰ و دهم ۱۵ است.

سوم تیر همان گفتمان امام خمینی (ره) بود که به دلیل اینکه در دو دولت قبل خراب شده بود، در دولت نهم پیاده سازی و اجرا شد که این نکات مثبت است.

نکات منفی دولت احمدی نژاد که نباید در دولت بعدی باشد، چیست؟

نکات منفی دولت آقای احمدی نژاد چند قلمی است که در همین یکی دو سال آخر اتفاق افتاده است و در تعداد محدودی از افراد است. این مسئله فراگیر نیست و حتی در هیئت دولت تقریباً ۹۰ درصد انسان های پاک، کاری، مردمی و... هستند ولی در یکی دو سال اخیر آن ده درصد به دلیل ارتباطی که با بدنه قدرت پیدا کرده است، به بقیه مسلط شده است. به نظرم این مسئله اشکال ایجاد کرد،

وگرنه نقاط قوت دولت زیاد است. ولی اشتباه بزرگی که کرد این بود که دوستان خود را کنار گذاشت؛ به همین دلیل ضربه خورد و دیدیم که احمدی نژاد به کسانی که در رده مخالفان و دشمنان دولت بودند، میدان داد ولی کسانی که پای کار گفتمان سوم تیر بودند را یکی یکی کنار گذاشت.

شما به سه دولت هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد چه نمره ای می دهید؟

شرایط دولت آقای هاشمی رفسنجانی به گونه ای بود که هنوز نیروهای انقلابی، به خصوص در

دوره اول، حضور داشتند ولی به هر حال نمره ناپلونی قبولی می گیرد. همین الان اگر مشکلات کشور را رصد کنید، ریشه آن در دوره سازندگی است. بی عدالتی، تبعیض، خودخواهی، خلاف قانون ها، پیگیری تغییر این مسائل در دولت سازندگی اوایل کار است ولی به دلیل اینکه در دولت اصلاحات میوه چینی می شود، نمره شان رد است، زیرا خودشان گفتند ما کاری به اقتصاد و ... نداریم و فقط به فکر توسعه سیاسی هستیم.

افراد زیادی که در دولت اصلاحات مسئول بودند، در حال حاضر لندن نشین و آمریکانشین هستند، یعنی خرابکاری هایشان را کردند و حالا در آنجا به ملت فحش می دهند. به عنوان مثال شما کسی را دارید که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در مسئولیت های بزرگی همچون معاون نخست وزیر، وزیر، معاون رئیس جمهور، نماینده مجلس و ۲۵-۲۶ سال در صدر قدرت حضور داشته است؛ الان هم این افراد در رسانه های ضد انقلاب علیه ملت ایران صحبت می کنند. بر این اساس شما چگونه به دولت اصلاحات نمره مثبت می دهید؟ هیچ کس نمی تواند نمره مثبتی بدهد. به عنوان مثال مشاور امور زنان رئیس جمهور به آمریکا می رود و در آنجا کشف حجاب می کند و می گوید من ۳۰ سال مخالف حجاب بودم.

خب! به دولت آقای احمدی نژاد چه نمره ای می دهید؟

عملکرد دولت نهم آقای احمدی نژاد واقعاً نمره ۲۰ دارد، شاید در تاریخ بی نظیر باشد. دولت دهم نیز خوب است ولی چند مورد دارد که خدا را شکر فرصت پیاده سازی آن را پیدا نکردند و فقط به عنوان ترمز بودند که رکود ایجاد کردند که می توان به آن ۱۵ داد. دولت دهم در دو سال اول خوب بود ولی در دو سال آخر ضعیف شد.

؟ ویژگی‌های مثبت و نقطه قوت دولت نهم و دولت دهم و شخص رئیس‌جمهور در ۸ سال گذشته چه بوده است؟ در تبیین ویژگی‌های دولت آقای احمدی‌نژاد اولین ویژگی را می‌توان پُرکاری دولت دانست. این دولت به‌همراه کابینه به تمام نقاط محروم کشور و روستاها سفر کرده است. در این سفرها مصوباتی داشته و با ساخت جاده، تونل و سایر امکانات، مناطق محروم را از وضعیت سابق بیرون آورده است. یکی دیگر از نقاط قوت دولت، پروژه مسکن مهر بوده است.

اما متأسفانه این دولت چند پوئن منفی نیز داشت. یکی از نکات ضعفش این است که به مسائل قانونی زیاد توجهی نمی‌کرد. همان طوری که نسبت به مراجع تقلید و علما همین روش را داشته است. مخصوصاً برای خودش یک مسائل قرمزی در نظر گرفته است. یکی دیگر از نکات منفی دولت این بود که به مشائی که ضد فرهنگ بوده است، مدال فرهنگ داد. یکی دیگر از نقاط منفی این است که متأسفانه لجبازی کمر رئیس‌جمهور را شکست. ما هم آدمی نیستیم که بخواهیم به ایشان توهین کنیم. خود من شخصاً ۱۰ استان کشور رفتم تا برای احمدی‌نژاد تبلیغ کنم. تبلیغ من برای این بود که ایشان آرمان‌ها و اهداف خوبی داشت و مانند حضرت امام(ره) صحبت می‌کرد. جشن اخیر در استادیوم آزادی از دیگر نقاط منفی دولت است؛ بعضی‌ها می‌گویند که دولت خوش‌خوشانش شده است. حیف است که آقای احمدی‌نژاد در آخرین هفته‌های دولت بیاید و چنین مهمانی چند ده هزار نفری برگزار کند که به قول آقای باهنر ۵۰ میلیارد تومان از بودجه این مملکت خرج کند. مردم این خرج و مخارج را قبول ندارند و راضی نیستند. به نظر من دولت باید با متانت و احترام خداحافظی کند نه اینکه به فکر بیفتد که این دولت ۸ ساله نیست و ۱۲ ساله است و باز می‌خواهم در قدرت بمانم یا کاندیداتوری معرفی کنم.

اینکه دولت وعده بدهد که یارانه‌ها را ۵ برابر می‌کند و اعلام کند که عده‌ای نمی‌گذارند، در شأن دولت نیست که بخواهد از بیت‌المال برای انتخابات خرج کند و کسی را از طرف خود بر سر کار بیاورد. ما با مردم سرکار داریم و این مسائل را جزو نقاط ضعف دولت می‌دانیم. امیدواریم که در پایان دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، دیگر نقاط ضعف جدید پیش نیاید.

؟مقام معظم رهبری مردمی بودن، سفرهای استانی، پرکاری، شجاعت، استکبارستیزی و عدالت‌طلبی را جزو ویژگی‌های مثبت دولت برشمردند. آیا این ویژگی‌ها در تمام عمر دو دولت احمدی‌نژاد یکسان بوده است؟

این ویژگی‌ها در دولت بوده است اما این اواخر پوئن‌های منفی در کارش دیده شده است. مقام معظم رهبری هم فرمودند که جنبه‌های مثبت رئیس‌جمهور ان شاء الله در ریاست جمهوری آینده باشد و جنبه‌های منفی اش نباشد. رئیس‌جمهور باید ولایت‌مداری اش قوی باشد.

؟آقای احمدی‌نژاد در ابتدای حضورش در دولت تأکید زیادی بر ارتباط مجلس و دولت داشت، به‌عنوان مثال پس از عدم رأی مجلس به چند وزیر دولت، رئیس‌جمهور گفت بررسی مجلس مشکافانه بود. اما رفته رفته این ارتباط تیره شد تا جایی که دولت در سال ۸۶ گفت مجلس با وضع قوانین

تا یک سال قبل با ۳ ویژگی خاص شناخته می‌شد؛ ویژگی‌هایی که شاید در افراد دیگری هم باشد ولی شدت و غلظتش به او نخواهد رسید. «مخالفت سرسختانه با هاشمی رفسنجانی»، «موضع انقلابی علیه فتنه و فتنه‌گران» و «حمایت از آقای احمدی‌نژاد» این ۳ ویژگی است؛ اگرچه ۲ ویژگی ابتدایی اش را همچنان با همان غلظت حفظ کرده ولی درباره ویژگی سومش به جرات می‌توان گفت که تغییر موضع داده است و می‌گوید: ما هوادار احمدی‌نژاد بودیم ولی ریزش کردیم. حجت‌الاسلام جعفر شجونی که برای رأی آوردن رئیس‌جمهور کنونی به بیش از ۱۰ استان کشور سفر کرده بود، دیگر مانند خیلی‌های دیگر از احمدی‌نژاد حمایت نمی‌کند و نسبت به عملکرد او انتقاد دارد. با او به گفت‌وگو نشستیم تا نقاط مثبت و منفی دولت‌های نهم و دهم را برشمارد. او هرچند که نسبت به برخی عملکردهای رئیس‌جمهور انتقاد دارد ولی همچنان این دولت را بهترین دولت در قیاس با دولت آقای هاشمی و آقای خاتمی می‌داند و بر همین اساس برای دولت هاشمی نمره ۱۲، دولت خاتمی نمره ۱۰ و دولت احمدی‌نژاد نمره ۱۸ را در نظر می‌گیرد.

حجت‌الاسلام شجونی:

لجبازی

کمر

احمدی‌نژاد

را

شکست



تحلیل قدیری ایبانه درباره احمدی نژاد:

می توانست سمبلی مثل "رجایی" باشد

هر چند این روزها کم و بیش نام و نشانی از وی شنیده و دیده می شود ولی او جمله "به نام خداوند قوی تر از ناوهای آمریکا" را از خود به یادگار گذاشت که جمله اش سخت از یادها خواهد رفت؛ جمله ای که ادواردو آنیلی فرزند سناتور میلیاردر ایتالیایی را معذوب خود کرد. محمد حسین قدیری ایبانه سابقه رایزن فرهنگی سفارت ایران در ایتالیا، سفیر ایران در مکزیک، استرالیا، گواتمالا... را در کارنامه دارد. با او که در دولت احمدی نژاد نیز سفیر ۳ کشور بوده است به گفت و گو نشستیم تا نقاط قوت و ضعف دولت نهم و دهم را بررسی کنیم.

می دهد. سؤال من این است که این مشائی چه تافته جدا بافته ای است که این دولت آبرویش را فدای ایشان کرده است؟
 ؟ اگر بخوایم بین ۳ دولت آقای هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد مقایسه ای انجام دهیم، چه شباهت هایی بین این ۳ دولت است؟

همه این دولت ها باعث غم و غصه رهبری شدند. آن دولت ها هم باعث غصه رهبری شدند. آنها هم استکبار داشتند و مدیرانشان حرف گوش کن نبودند و دنبال معیشت های فوق برنامه بودند. کارهای فرهنگی شان درست نبود. فقط دنبال تعریف و تمجید و امیرکبیر درست کردن و ... بودند. در مجموع همه دولت ها نمرات منفی داشتند.
 ؟ اگر بخوایم به عملکرد هر دولت جداگانه نمره بدهیم، شما چه نمره ای به دولت آقای هاشمی؟، خاتمی و احمدی نژاد می دهید؟
 به دولت آقای هاشمی نمره ۱۲، به دولت آقای خاتمی نمره ۱۰ و به دولت آقای احمدی نژاد نمره

؟ نمی تواند تصمیمات دولت را وتو کند. نهایتاً در سال ۸۹ نیز گفت که مجلس در رأس امور نیست. چرا رئیس جمهور با مجلس زاویه پیدا کرد؟ آیا این مسئله را می توان به عنوان یکی از نقاط ضعف رئیس جمهور برشمرد؟

این هم نقاط منفی و مثبت دولت است. دلیل زاویه پیدا کردن احمدی نژاد با مجلس برای این است که رئیس جمهور از اجرای قانون خوشش نمی آید و می خواهد خودش هر چه فرمودند، فرموده باشند. این جنبه های منفی اش خیلی بد است. حرف های حزب الهی ۸۴ احمدی نژاد خیلی فرق دارد با حرف های لیبرالی سال ۹۲. اینها را که انسان بررسی می کند، نقاط منفی دولت را متوجه می شود.
 ؟ برخورد دولت با پدیده فساد با توجه به اینکه آقای احمدی نژاد از ابتدای دولتش گفت که دست رانت خواران را از اقتصاد کشور کوتاه

می کند و اولتیماتوم هایی که به مفسدین می داد، چگونه بود؟ این مسئله جزو نقاط مثبت دولت و رئیس جمهور است یا جزو نقاط ضعف؟
 آقای احمدی نژاد

این مشائی چه تافته جدا بافته ای است که این دولت آبرویش را فدای ایشان کرده است؟ همه ما هوادار آقای احمدی نژاد بودیم و حالا ریزش پیدا کردیم. ما تغییر نکردیم ولی عملکرد رئیس جمهور تغییر کرده است.

در ابتدا به مفسدین اقتصادی اولتیماتوم می داد و می گفت: اسامی ۳۰۰ نفر در جیب من است. اسامی مفسدین در جیب او چکار می کنند؟ بعد به رئیس جمهور گفتند: این اسامی را ارانه بده! اما یک مسائلی پیش آمد.
 ؟ آیا رابطه ای بین ریزش هواداران آقای احمدی نژاد و حضور آقای مشائی در دولت پس از حکم حکومتی رهبر انقلاب وجود دارد؟ علل ریزش آرای اجتماعی و هواداران احمدی نژاد چیست؟
 بله! همه ما هوادار آقای احمدی نژاد بودیم و حالا ریزش پیدا کردیم. ما تغییر نکردیم ولی عملکرد رئیس جمهور تغییر کرده است. مگر آقای مشائی کیست که در زیر آسمان ایران آتش به پا کرده است. نه مراجع و نه جامعه روحانیت و نه هیچ کس از او راضی نیست. معلوم نیست که این شخص هانری کورمن یا پروفوسور است که خط قرمز آقای رئیس جمهور شده است. هر جای دنیا هم که می رود، این فرد را با خود می برد و نشان

نگاه

- یکی از نکات ضعف احمدی نژاد این بود که به مسائل قانونی زیاد توجهی نکرد و برای خودش خط قرمز در نظر گرفت.
- یکی دیگر از نقاط منفی احمدی نژاد لجبازی اوست که کمرش را شکست.
- حرف های حزب الهی ۸۴ احمدی نژاد خیلی با حرف های لیبرالی سال ۹۲ فرق دارد.
- امیدواریم که در پایان دولت آقای احمدی نژاد، دیگر نقاط ضعف جدید پیش نیاید.

مردم بدون چشم داشت خدمت می کرد و کسی بود که قصد تحقق همه اهداف اسلامی را داشت. سرجمع این مسائل باعث شد که مردم به احمدی نژاد روی آورند البته تبلیغات گسترده ای که در گذشته علیه برخی از رقبای آقای احمدی نژاد وجود داشته است، به وی کمک کرد تا در انتخابات پیروز شود. همچنین آقای احمدی نژاد در تبلیغات ۸۴ نقاط ضعفی هم داشت ولی نقاط ضعف در برابر نقاط قوتش به چشم نیامد. بعضی ها تصور می کردند که نقاط ضعف احمدی نژاد تاکتیکی تبلیغاتی است، نه اینکه باور او باشد. نمونه این مسائل را می توان بحث سال ۸۴ وی را در خصوص حجاب دانست که گفته بودند "آیا مشکل مردم کشور این چهار تا مویی است که بیرون می ریزند". غیر از این ایشان جمله ای بدین مضمون بیان کرده بود که حقوق ها ریالی است اما یارانه ها را دلاری در نظر می گیرند، این نشان می داد ایشان مخالف هدفمندسازی یارانه هاست و علیه آن موضع دارد.

؟ رهبر معظم انقلاب در سخنرانی ابتدای سال جدید فرمودند که رئیس جمهور بعدی باید آنچه اکنون برای رئیس جمهور فعلی نقاط مثبت شناخته می شود را داشته باشد و آنچه نقاط منفی و ضعف یاد می شود را نداشته باشد. ابتدا بفرمایید زمانی که آقای احمدی نژاد در سال ۸۴ به ریاست جمهوری انتخاب شدند، دارای چه ویژگی های مثبتی بودند که موجب شد مردم رأی خود را متوجه وی کنند؟

آقای احمدی نژاد شعارهای مردم، اسلام، امام، انقلاب و رهبر و خواسته های آنها را به عنوان شعارهای انتخاباتی برای خود برگزید. علاوه بر آن زندگی ساده و سالمی از خودش بروز داد؛ چهره مردمی که با مردم می جوشد، از مردم است، وفادار به نظام، اسلام و ولایت است، مطیع مطلق امر ولی است، کسی که در جبهه های جنگ حضور پیدا کرده و در مسند اموری هم که تا پیش از ریاست جمهوری بوده است، مردمی بودن خودش را حفظ کرده است.

احمدی نژاد کسی بود که سال های متمادی به

دولت دهم و شخص رئیس جمهور در این ۸ سال گذشته چه بوده است؟

آقای احمدی نژاد در چهار سال اول هم تلاش گسترده ای انجام داد و مطابق با شعارهایی که داده بود، عمل کرد. بر همین اساس هم در انتخابات سال ۸۸ تعداد آرای ایشان از حدود ۱۷ میلیون به ۲۴ میلیون افزایش پیدا کرد. این در حالی است که معمولاً در دور دوم آرای یک رئیس جمهور کمتر از دور قبل می شود. تلقی دوست و دشمن از احمدی نژاد این بود که او وفادار به آرمان های امام (ره)، مطیع رهبری و پایبند به قانون و تصمیمات مراجع قانونی است و سعی می کند افراد سالمی را در راس امور بگذارد.

در دوره دوم آقای احمدی نژاد، رویکرد دیگری را متفاوت از دوره اولش دنبال کرد و شعارهایی داد که با شعارهای انتخاباتی او همسو نبود. انتخاب افرادی که مسائله دار بودند و پایبندی زیادی به مسائل دینی نداشتند، مخالفت با برخورد با بدحجابی و فساد اخلاقی که موجب گستاخ تر شدن افرادی در شکاندن حرمت های جامعه بود، قهر ۱۱ روزه و لجبازی با سایر قوا، اخراج نیروهای ولایت مدار از دولت، دادن شعار زنده باد بهار به جای زنده باد

اسلام، طمع به ماندن در قدرت و بی توجهی به قوانین کشور و مصوبات مراجع قانونی دیگر نمونه هایی از چهره متفاوت رئیس جمهور در دور اول و دوم بود.

تغییرات احمدی نژاد این سوال را در اذهان مطرح کرد که آیا او در قدرت تغییر ماهیت داده و دیدگاه هایش تغییر کرده و یا قدرت او را از آرمان ها دور کرده یا اینکه او از ابتدا چنین تصورات و تفکراتی در ذهن داشته و آن را پنهان کرده و برای رسیدن به قدرت و پیاده کردن نگاه های غیردینی و گناه ضد دینی اش، نفاق به خرج داده است؟ مسلم است امروز اکثر کسانی که به او رای دادند و از او حمایت کردند، به شدت سرخورده شدند، بنابراین یکی از ویژگی هایی که باید رئیس جمهور بعدی داشته باشد، نقاط مثبتی است که او از خود جلوه داد، هر چند ممکن است فاقد آن باشد و همین هم موجب رویگردانی مردم از او شد، ضمن اینکه در راه رسیدن به هدف خودش برنامه ریزی و تلاش می کند و شب و روز نمی شناسد. یک رئیس جمهور باید برنامه ریز باشد و تا جایی که قدرت دارد، به تلاش خودش ادامه بدهد ولی تلاش باید در راه صحیح باشد و البته راهی که باید بگوییم، متاسفانه رئیس جمهور از آن منحرف شده و بنده که خودم در سال ۸۸ به آقای احمدی نژاد رای دادم، از این رفتارهای جدید او در موارد متعددی بیزار شدم.

بنابراین فردی که قرار است برای دوره بعد رئیس جمهور کشور شود، هم باید ولایت مدار باشد و هم باید در ولایت مداری خود پایبند باشد. دست اندازی به بیت المال برای رسیدن به مقاصد سیاسی نداشته باشد. هر چند در این دست اندازی به اموال شخصی او اضافه نشود، نمایش های مضحکی مثل همایش استادیوم آزادی را که اخیراً

دور قبل می شود، تلقی دوست و دشمن از احمدی نژاد این بود که او وفادار به آرمان های امام (ره)، مطیع رهبری و پایبند به قانون و تصمیمات مراجع قانونی است و سعی می کند افراد سالمی را در راس امور بگذارد.

در دوره دوم آقای احمدی نژاد، رویکرد دیگری را متفاوت از دوره اولش دنبال کرد و شعارهایی داد که با شعارهای انتخاباتی او همسو نبود. انتخاب افرادی که مسائله دار بودند و پایبندی زیادی به مسائل دینی نداشتند، مخالفت با برخورد با بدحجابی و فساد اخلاقی که موجب گستاخ تر شدن افرادی در شکاندن حرمت های جامعه بود، قهر ۱۱ روزه و لجبازی با سایر قوا، اخراج نیروهای ولایت مدار از دولت، دادن شعار زنده باد بهار به جای زنده باد اسلام، طمع به ماندن در قدرت و بی توجهی به قوانین کشور و مصوبات مراجع قانونی دیگر نمونه هایی از چهره متفاوت رئیس جمهور در دور اول و دوم بود.

تغییرات احمدی نژاد این سوال را در اذهان مطرح کرد که آیا او در قدرت تغییر ماهیت داده و دیدگاه هایش تغییر کرده و یا قدرت او را از آرمان ها دور کرده یا اینکه او از ابتدا چنین تصورات و تفکراتی در ذهن داشته و آن را پنهان کرده و برای رسیدن به قدرت و پیاده کردن نگاه های غیردینی و گناه ضد دینی اش، نفاق به خرج داده است؟ مسلم است امروز اکثر کسانی که به او رای دادند و از او حمایت کردند، به شدت سرخورده شدند، بنابراین یکی از ویژگی هایی که باید رئیس جمهور بعدی داشته باشد، نقاط مثبتی است که او از خود جلوه داد، هر چند ممکن است فاقد آن باشد و همین هم موجب رویگردانی مردم از او شد، ضمن اینکه در راه رسیدن به هدف خودش برنامه ریزی و تلاش می کند و شب و روز نمی شناسد. یک رئیس جمهور باید برنامه ریز باشد و تا جایی که قدرت دارد، به تلاش خودش ادامه بدهد ولی تلاش باید در راه صحیح باشد و البته راهی که باید بگوییم، متاسفانه

رئیس جمهور از آن منحرف شده و بنده که خودم در سال ۸۸ به آقای احمدی نژاد رای دادم، از این رفتارهای جدید او در موارد متعددی بیزار شدم.

بنابراین فردی که قرار است برای دوره بعد رئیس جمهور کشور شود، هم باید ولایت مدار باشد و هم باید در ولایت مداری خود پایبند باشد. دست اندازی به بیت المال برای رسیدن به مقاصد سیاسی نداشته باشد. هر چند در این دست اندازی به اموال شخصی او اضافه نشود، نمایش های مضحکی مثل همایش استادیوم آزادی را که اخیراً

برگزار شد، راه نیندازد، در صدد تضعیف مراجع رسمی مثل مجلس و شورای نگهبان نباشد، به افراد مسئله داری مثل آقای مشایی و امثالهم میدان ندهد، شئونات جمهوری اسلامی ایران را حفظ کند، باور دینی اش، باور مستحکم و مبتنی بر فقه اسلامی باشد نه مثل آقای احمدی نژاد که در فوت آقای چاوز اعلام کرد تردید ندارم که او با حضرت مسیح رجعت خواهد کرد. این پیام نشان داد که رئیس جمهور یا دین را بازیچه قرار داده یا تعادل فکری خودش را از دست داده است. کسی که می آید باید این استحکام را در وجودش داشته باشد تا به بیان چنین مطالبی آن هم در پیام های بین المللی یا هر زمینه دیگری روی نیاورد. می توانیم بگوییم آقای رئیس جمهور در دوره اول شئونات ریاست جمهوری را حفظ کرد و در دور دوم شئونات ریاست جمهوری را زیر پا له کرد. کسی که بیاید به آقای مشائی مدال درجه یک فرهنگ و هنر بدهد و به نمایندگی از ملت ایران از مشائی کسب اجازه بکند که آیا اجازه می دهید که من به عنوان نماینده ملت به شما مدال بدهم؟ ملت ایران را تحقیر کرده است. آقای مشایی و آقای احمدی نژاد خاک پای ملت ایران هستند. چطور به خودش اجازه می دهد به آقای مشایی بگوید اگر به من اجازه می دهید، از طرف ملت به شما مدال بدهم؟ چگونه آقای احمدی نژاد می تواند کسب اجازه کند تا از طرف ملت به عنصر مساله داری مثل آقای مشایی مدال بدهد؟ دادن مدال به این فرد خلاف است، چه برسد به اینکه از طرف ملت از او کسب اجازه بکند که آیا اجازه می دهید که ملت به شما مدال بدهند؟

من امیدوار هستم که این چند ماه هم هرچه زودتر بگذرد و ما شاهد مساله آفرینی های آقای رئیس جمهور نباشیم و خدا را شکر کنیم که دوره ایشان هرچه زودتر به پایان رسید، زیرا دعاهای ما برای اینکه ایشان از این مسیر انحرافی خارج شوند، مستجاب نشد؛ هر چند هنوز هم دعا می کنیم ایشان عاقبت به خیر شود اما من به نوبه خودم، امید خودم را برای عاقبت به خیری احمدی نژاد از دست داده ام. اینکه کسی فریب این سالوس نمایی ها را خورده باشد، برای هر مقامی امکان پذیر است. حضرت امام هم می گفتند من فریب برخی از این سالوس نمایان را خوردم ولی ملاک حال افراد است. برخی مواقع برخی افراد تغییر می کنند و تغییر ماهیت می دهند. در این افراد قدرت به عنوان

کاتالیزور عمل می کند، زیرا برخی ظرفیت پذیرش مسئولیت های بالا را ندارند، ظرفیت اینکه مورد استقبال گسترده مردم قرار بگیرند را ندارند و این مسائل آنها را عوض می کند کما اینکه حضرت علی (ع) فرمودند کسانی که دنبال ایشان برای استقبال می دویند، می گفتند این کار شما درست نیست. شاید احمدی نژاد ظرفیت این

استقبال ها را نداشت. قطعاً ایشان این ظرفیت را نداشتند. یک نمونه از کسانی که ظرفیت لازم را نداشتند و تغییر ماهیت

امیدوارم که این چند ماه هم هرچه زودتر بگذرد و ما شاهد مساله آفرینی های رئیس جمهور نباشیم و خدا را شکر کنیم که دوره ایشان به پایان رسید، زیرا دعاهای ما برای اینکه ایشان از این مسیر انحرافی خارج شوند، مستجاب نشد؛ هر چند هنوز هم دعا می کنیم عاقبت به خیر شوند.

دادند، زبیر بود که لقب سیف‌الاسلام (شمشیر اسلام) را از پیامبر (ص) دریافت کرد. زبیر زمان پیامبر (ص) صادقانه عمل می‌کرد و شمشیر اسلام بود اما بعدها تغییر ماهیت داد و شمشیر خودش را علیه اسلام به کار گرفت. این تغییر ماهیت‌ها و تغییر رویکردها و فکرها را ما در دوران‌های مختلف تاریخی شاهد بودیم. این پیام نشان داد که رئیس‌جمهور یا دین را بازیچه قرار داده یا تعادل فکری خودش را از دست داده است. کسی که می‌آید باید این استحکام را در وجودش داشته باشد تا به بیان چنین مطالبی آن هم در پیام‌های بین‌المللی یا هر زمینه دیگری روی نیاورد. می‌توانیم بگوئیم آقای رئیس‌جمهور در دوره اول شئون‌ت ریاست جمهوری را حفظ کرد و در دور دوم شئون‌ت ریاست جمهوری را زیر پا له کرد.



آمریکا دست از تهدید بردارد، من خودم می‌روم با آمریکا مذاکره می‌کنم". این سخنان، حرف‌های مناسبی نبود و اصلاً با مواضع انقلاب و نظام و رهبری همخوانی نداشت و برای حیثیت کشور ما خوب نبود. براساس سخنان آقای احمدی‌نژاد آنها تحریم داشته باشند و فقط تهدید نداشته باشند؟ تهدید نداشتن چه معنی می‌دهد؟ یعنی نگویند که ما تهدید می‌کنیم و آن وقت شما

خودتان بروید مذاکره کنید؟ عشق مذاکره ظاهراً خیلی‌ها را گرفتار کرده است. متأسفانه باید بگوئیم که در سیاست استکبارستیزی آقای احمدی‌نژاد هم خدشه وارد شده است. اما اینکه آقای احمدی‌نژاد می‌گویند تا آخرین ثانیه وظایفش را انجام می‌دهد، چیز خوبی است. هر مسئولی در هر کجا هست، باید تا آخرین ثانیه با استحکام و به درستی کار خودش را انجام دهد.

درباره سلامت مالی دولت هم نشنیدیم که چیزی به مال آقای احمدی‌نژاد افزوده شود اما دست‌اندرازی به بیت‌المال در دولت ایشان توسط جریان انحرافی کم نبوده است. این هزینه‌ها برای مقاصد خاصی استفاده می‌شود. مثلاً آقای مشایبی در سازمان میراث فرهنگی ۲۰۰ میلیون تومان اختصاص داد به نمایشگاه نقاشی و عکاسی‌هایی از آب توسط خانم هدیه تهرانی و در آخر هم گفت آدم وقتی عکس‌های آب را که خانم تهرانی تهیه کرده است، می‌بیند، یاد توحید می‌افتد. این اظهارات به مضحکه گرفتن دین است. این در حالی است که آقای مشایبی چنین بودجه‌هایی را برای ترویج فرهنگ اسلامی دریغ کردند.

به نظر من دولت در برخی شعارهایش تغییر ماهیت داده است، البته پرکاری آقای احمدی‌نژاد کماکان باقی است و در برخی موارد مواضع محکمی علیه استکبار می‌گیرد ولی درباره مذاکره معتقد ایشان از مواضع اولیه‌اش عدول کرده است.

درباره مردمی بودن آقای احمدی‌نژاد هم باید گفت که یکی از ملاک‌های مردمی بودن این

است که به جای خرج میلیون‌ها تومان پول برای برگزاری همایش در استادیوم آزادی، این پول را در نقاط حادثه‌خیز جاده‌ها صرف کنند تا در ایام نوروز کشته‌های کمتری داشته باشیم. این که آن پول را آنجا هزینه نکنند و اینجا هزینه کنند، نشان می‌دهد که جشن هدف تبلیغاتی داشت اما به خاطر عدم استقبال جمعیت و خالی بودن استادیوم نتوانستند بهره تبلیغاتی

(شمشیر اسلام) را از پیامبر (ص) دریافت کرد. زبیر زمان پیامبر (ص) صادقانه عمل می‌کرد و شمشیر اسلام بود اما بعدها تغییر ماهیت داد و شمشیر خودش را علیه اسلام به کار گرفت. این تغییر ماهیت‌ها و تغییر رویکردها و فکرها را ما در دوران‌های مختلف تاریخی شاهد بودیم. الان هم معتقد هستم مقام معظم رهبری تلاش می‌کنند آقای احمدی‌نژاد را بابت زحماتی که کشیدند

کمک کنند که به ورطه سقوط کشیده نشوند. منظور سقوط از موقعیت حکومتی نیست، بلکه سقوط سیاسی، اعتقادی و اخلاقی است. من معتقد نیستم ایشان موفق شوند. حضرت امام (ره) (نیز تلاش کردند بنی‌صدر و منتظری را از آن ورطه نجات دهند ولی موفق نشدند. امام علی (ع) تلاش کردند طلحه و زبیر را از آن وضعیت نجات دهند ولی موفق نشدند. حضرت نوح نیز تلاش کرد فرزند خودش را از آن ورطه نجات دهد ولی موفق نشد. موفق نشدن در نجات دیگران ضعف آنها نیست بلکه ضعف افرادی است که شایستگی نجات را ندارند. با این وجود دعا می‌کنم که خدا عاقبت آقای احمدی‌نژاد را به خیر کند و ملت، کشور و نظاممان را از شر افکار پلید جریان انحرافی بدور بدارد. ان‌شالله.

مقام معظم رهبری مردمی بودن، سفرهای استانی، پرکاری، شجاعت، استکبارستیزی و عدالت‌طلبی را جزو ویژگی‌های مثبت دولت برشمرند. آیا این ویژگی‌ها در تمام عمر ۲ دولت احمدی‌نژاد یکسان بوده است؟ در دولت دوم این سفرهای استانی کم و بیش وجود داشته، هر چند که به نظر می‌رسد در حال حاضر این سفرهای استانی جنبه تبلیغاتی برای جریان انحرافی پیدا کرده است. استکبارستیزی آقای احمدی‌نژاد و دولتش لطمه خورده است. نمونه آن سخنرانی وی در روز ۲۲ بهمن بود که گفتند "اگر

کسی که بیاید به آقای مشائی مدال درجه یک فرهنگ و هنر بدهد و به نمایندگی از ملت ایران از مشائی کسب اجازه بکند که آیا اجازه می‌دهید که من به عنوان نماینده ملت به شما مدال بدهم؟ ملت ایران را تحقیر کرده است. آقای مشایبی و آقای احمدی‌نژاد خاک پای ملت ایران هستند. چطور به خودشان اجازه می‌دهد به آقای مشایبی بگوید اگر به من اجازه می‌دهید، از طرف ملت به شما مدال بدهم؟ چگونه آقای احمدی‌نژاد می‌تواند کسب اجازه کند تا از طرف ملت به عنصر مساله‌داری مثل آقای مشایبی مدال بدهد؟ دادن مدال به این فرد خلاف است، چه برسد به اینکه از طرف ملت از او کسب اجازه بکنند که آیا اجازه می‌دهید که ملت به شما مدال بدهند؟ من امیدوار هستم که این چند ماه هم هرچه زودتر بگذرد و ما شاهد مساله آفرینی‌های آقای رئیس‌جمهور نباشیم و خدا را شکر کنیم که دوره ایشان هرچه زودتر به پایان رسید، زیرا دعاهای ما برای اینکه ایشان از این مسیر انحرافی خارج شوند، مستجاب نشد؛ هرچند هنوز هم دعا می‌کنیم ایشان عاقبت به خیر شود اما من به نوبه خودم، امید خودم را برای عاقبت به خیری احمدی‌نژاد از دست داده‌ام.

اینکه کسی فریب این سالوس‌نمایی‌ها را خورده باشد، برای هر مقامی امکان‌پذیر است. حضرت امام هم می‌گفتند من فریب برخی از این سالوس‌نمایان را خوردم ولی ملاک حال افراد است. برخی مواقع برخی افراد تغییر می‌کنند و تغییر ماهیت می‌دهند. در این افراد قدرت به عنوان کاتالیزور عمل می‌کند، زیرا برخی ظرفیت پذیرش مسئولیت‌های بالا را ندارند، ظرفیت اینکه مورد استقبال گسترده مردم قرار بگیرند را ندارند و این مسائل آنها را عوض می‌کند کما اینکه حضرت علی (ع) فرمودند کسانی که دنبال ایشان برای استقبال می‌دویدند، می‌گفتند این کار شما درست نیست. شاید احمدی‌نژاد ظرفیت این استقبال‌ها را نداشت. قطعاً ایشان این ظرفیت را نداشتند. یک نمونه از کسانی که ظرفیت لازم را نداشتند و تغییر ماهیت دادند، زبیر بود که لقب سیف‌الاسلام

آقای مشایبی در سازمان میراث فرهنگی ۲۰۰ میلیون تومان اختصاص به نمایشگاه نقاشی و عکاسی‌هایی از آب توسط خانم هدیه تهرانی اختصاص داد و در آخر هم گفت آدم وقتی عکس‌های آب را که خانم تهرانی تهیه کرده است، می‌بیند، یاد توحید می‌افتد. این اظهارات به مضحکه گرفتن دین است.

بیرند و موضوع را به آن سمت هدایت بکنند. در سلامت مالی اینکه در ماجرای فساد ۳ هزار میلیاردی دستور واگذاری

برخی پروژه‌ها را بدون مناقصه به آقای آریا دادند، قابل قبول نیست. این یک پروژه مساله‌داری است در حالی که برگزاری مناقصه برای پرهیز از فساد است. به هر حال آقای احمدی نژاد کسی است که امروز اگر بخواهد نامزد مجلس شورای اسلامی شود، نمی‌تواند تایید صلاحیت بگیرد. شورای نگهبان صلاحیت او را در دوره اول ریاست جمهوری تایید کرد و توانست پیروز شود و در دور دوم هم رای بیشتری آورد ولی امروز شایسته تایید صلاحیت برای مجلس شورای اسلامی نیست، زیرا در مبانی عقیدتی و دینی آقای احمدی نژاد خدشه وارد شده است. به عنوان مثال

یکی از مواردی که در مبانی عقیدتی آقای احمدی نژاد خدشه وارد شده است همین مسئله تردید نداشتن در رجعت چاوز است.

درباره سلامت مالی دولت هم نشنیدیم که چیزی به مال آقای احمدی نژاد افزوده شود اما دست‌اندازی به بیت المال در دولت ایشان توسط جریان انحرافی کم نبوده است. این هزینه‌ها برای مقاصد خاصی

استفاده می‌شود. مثلاً آقای مشایی در سازمان میراث فرهنگی ۲۰۰ میلیون تومان اختصاص داد به نمایشگاه نقاشی و عکاسی‌هایی از آب توسط خانم هدیه تهرانی و در آخر هم گفت آدم وقتی عکس‌های آب را که خانم تهرانی تهیه کرده است، می‌بیند، یاد توحید می‌افتد. این اظهارات به مضحکه گرفتن دین است. این در حالی است که آقای مشایی چنین بودجه‌هایی را برای ترویج فرهنگ اسلامی دریغ کردند.

به نظر من دولت در برخی شعارهایش تغییر ماهیت داده است، البته پرکاری آقای احمدی نژاد کماکان باقی است و در برخی موارد مواضع محکمی علیه استکبار می‌گیرد ولی درباره مذاکره معتمد ایشان از مواضع اولیه‌اش عدول کرده است.

درباره مردمی بودن آقای احمدی نژاد هم باید گفت که یکی از ملاک‌های مردمی بودن این است که به جای خرج میلیون‌ها تومان پول برای برگزاری همایش در استادیوم آزادی، این پول را در نقاط حادثه‌خیز جاده‌ها صرف کنند تا در ایام نوروز کشته‌های کمتری داشته باشیم. این که آن پول را آنجا هزینه نکنند و اینجا هزینه کنند، نشان می‌دهد که جشن هدف تبلیغاتی داشت اما به خاطر عدم استقبال جمعیت و خالی بودن استادیوم نتوانستند بهره تبلیغاتی ببرند و موضوع را به آن سمت هدایت بکنند. در سلامت مالی اینکه در ماجرای فساد ۳ هزار میلیاردی دستور واگذاری برخی پروژه‌ها را بدون مناقصه به آقای آریا دادند، قابل قبول نیست. این یک پروژه مساله‌داری است در حالی که برگزاری مناقصه برای پرهیز از فساد است.

به هر حال آقای احمدی نژاد کسی است که امروز اگر بخواهد نامزد مجلس شورای اسلامی شود، نمی‌تواند تایید صلاحیت بگیرد. شورای نگهبان صلاحیت او را در دوره اول ریاست جمهوری تایید کرد و توانست پیروز شود و در دور دوم هم رای بیشتری آورد ولی امروز شایسته تایید صلاحیت برای مجلس شورای اسلامی نیست، زیرا در مبانی عقیدتی و دینی

در هر صورت از آنچه که اتفاق افتاده است، خیلی متاسفم، زیرا اگر ایشان صادق بود و روال دور اول ریاست جمهوری را ادامه می‌داد، می‌توانست به سبلی مثل شهید رجایی تبدیل شود و ۲ دوره ریاست جمهوری‌اش را با موفقیت انجام داده و می‌توانست اعتباری برای نظام باشد در حالی که آقای احمدی نژاد به یک مسئله برای نظام تبدیل شده است.

آقای احمدی نژاد ابتدای حضورشان در دولت، زمانی که وزیرها را به مجلس معرفی کردند و چند وزیر رای اعتماد نگرفتند، گفتند مجلس موشکافانه بررسی کرد اما رفته رفته ارتباط آقای احمدی نژاد با مجلس تیره شد تا جایی که در سال ۸۶ گفتند که مجلس با وضع قوانین نمی‌تواند تصمیمات دولت را "تو" کند و سال ۸۹ نیز گفتند "مجلس در راس امور نیست". با توجه به این مسائل چرا آقای احمدی نژاد با مجلس زاویه پیدا کرد؟ آیا این مسئله هم می‌تواند یکی از نقاط ضعف دولت و آقای احمدی نژاد محسوب شود؟

ممکن است هر رئیس جمهوری با مجلس زاویه پیدا کند و نظراتش با نظرات مجلس متفاوت باشد و فرد برای اینکه دیدگاه متفاوتی با اکثریت مجلس داشته باشد، لازم نیست که حتماً رئیس جمهور باشد.

همانطور که اکثریت ملت ایران با مجلس ششم زاویه پیدا کردند و تصویب‌ها و عملکرد مجلس ششم را قبول نداشتند ولی موضوع این است که طبق قانون اساسی مجلس مسئولیت تدوین قوانین را بر عهده دارد و رئیس جمهور موظف به اجرای قوانین است، این مسئله در مورد مجلسی‌ها هم صدق می‌کند.

یعنی وقتی در مجلس لایحه‌ای مطرح می‌شود، مخالفان و موافقان دارد که بحث‌های داغی را نمایندگان با هم دارند ولی در نهایت به رای می‌گذارند و تصویب می‌شود و بعد از

آنکه مورد تایید شورای نگهبان قرار می‌گیرد، به قانون تبدیل می‌شود. آن وقت مخالفان و موافقان چه در مجلس و بیرون مجلس باید از این قانون تمکین کنند. مخالفت با قانون مصوب یا مضر دانستن آن مجوزی برای عدم رعایت آن نیست. اینجا مرزی است که آقای احمدی نژاد نتوانست و نخواست رعایت کند.

وقتی گفته می‌شود مجلس در راس امور است منظور این است که قانون در راس امور است و مجلس است که قانون را تصویب می‌کند، والا کسی تردیدی ندارد مهمترین قوه که قدرت عمل دارد، قوه مجریه است و به همین لحاظ رئیس قوه مجریه نفر دوم کشور است. آقای احمدی نژاد در موارد زیادی قانون را تمکین نکرد و امروز که می‌گوید هیچ کس نمی‌تواند به جای ملت تصمیم بگیرد، منظور این نیست که کسی حق دارد و یا ندارد در صندوق آرا دست ببرد، منظور این است که شورای نگهبان حق ندارد راجع به تایید صلاحیت نظر بدهد، در حالی که قانون این مسئله را بر عهده شورای نگهبان گذاشته و ایشان در این زمینه کاملاً منحرف شده و روحیه کاملاً دیکتاتوری از خودش بروز داده است.

کسی که به قانون و مراجع قانونی تمکین نمی‌کند، به معنی دیکتاتوری است. تمکین نکردن، نه قبول نداشتن. کما اینکه قانونی وضع می‌شود، ممکن است همان کسانی که به آن قانون رای دادند، به اشکال آن پی ببرند و آن را عوض کنند. من نمی‌گویم قبول نداشتن یک مصوبه اشکال دارد زیرا در تصویب هر مصوبه‌ای یک تعدادی علیه آن مصوبه رای دادند ولی اقلیت شدند و رای مخالف

معتمد که دیگر مسئله از حضور مشایی گذشته و مسئله این است که آقای احمدی نژاد مشایی شده است. یعنی دیگر خود او و افکارش موجب ریزش است و عملکرد خود احمدی نژاد موجب ریزش است، نه فقط مشایی. می‌توانیم بگوییم احمدی نژاد مشایی دیگر است، یا مشایی دیگر شده است.

حضور آقای مشایی را مطرح کردند. به نظر شما رابطه‌ای بین ریزش بدنه اجتماعی و هواداران آقای احمدی نژاد با اصرار ایشان برای حضور آقای مشایی وجود دارد؟

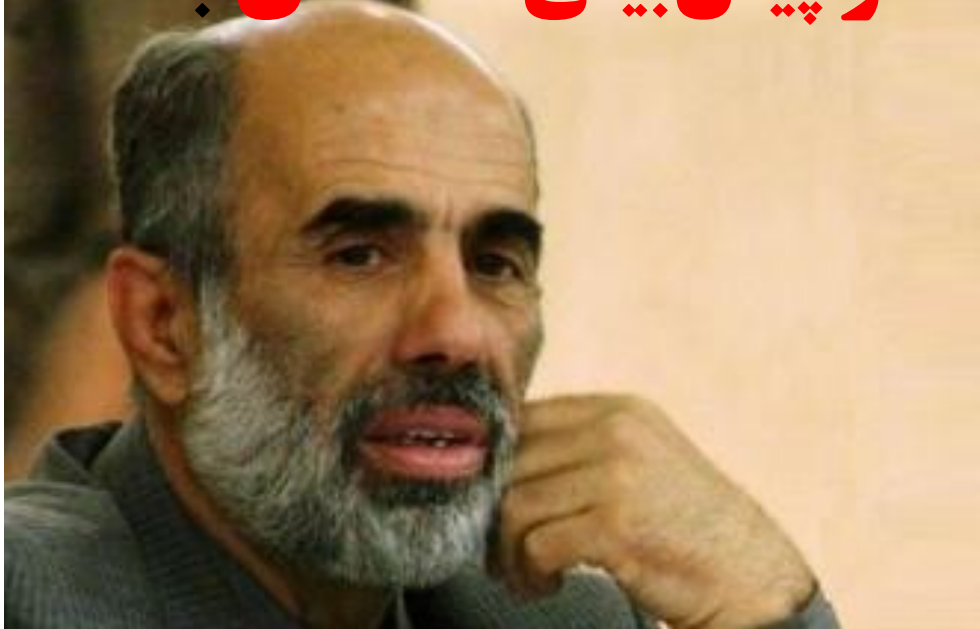
قطعاً چنین است ولی من معتمد که دیگر مسئله از حضور مشایی گذشته و مسئله این است که آقای احمدی نژاد مشایی شده است. یعنی دیگر خود او و افکارش موجب ریزش است و عملکرد خود احمدی نژاد موجب ریزش است، نه فقط مشایی. می‌توانیم بگوییم احمدی نژاد مشایی دیگر است، یا مشایی دیگر شده است.



دعای احمد نجابت برای احمدی نژاد:

خدا نکند

کار پیش بینی نشده‌ای بکند



تبیین نقاط ضعف دولت احمدی نژاد این روزها به قدری آسان است که بررسی نقاط قوتش سخت. کمتر کارشناسی است که نقاط ضعف و قوت دولت احمدی نژاد را بدون سیاه‌نمایی و اغراق تحلیل کرده و کینه‌های شخصی و حزبی و جریانی‌اش را وارد موضوع نکند. بر همین اساس به سراغ احمد نجابت نماینده اسبق شیراز در مجالس چهارم و پنجم، مدیرکل دفتر بازرسی وزارت بهداشت و مشاور وزیر بهداشت در دوران باقری لنگرانی و معاون معاونت توسعه منابع انسانی رئیس جمهور و رییس مرکز رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت رفتیم تا عملکرد ۸ ساله رئیس جمهور را از زبان او بشنویم. پیش از شروع مصاحبه تاکیدش بر اینکه "روز قیامت زبان آدم شهادت می‌دهد"، به ما که فهماند که سراغ خوب کسی آمده‌ایم. لهجه شیرین شیرازی‌اش و ادبیات انقلابی‌اش که انسان را یاد سال‌های اولیه انقلاب می‌انداخت، ۱۱ دقیقه مصاحبه را به سرعت به پایان رساند. نجابت در پاسخ به برخی سوالات بسیار سعی می‌کرد نامی از فرد نبرد و با مثال و ... توضیح دهد ولی در پاسخ به برخی سوالات همچون ۱۱ روز خانه‌نشینی و مشایخی و ولایت‌فقیه، به صراحت سخن گفت.

آقای احمدی نژاد فردی متدین، آرمان‌گرا، دانشگاهی و ساده‌زیست و حرکات و رفتار و عملش نمونه‌ای از جوان‌هایی بود که امام می‌فرمودند من امیدم به این جوانان است، تا اینکه آقای احمدی نژاد شهردار تهران شد. البته درست است که دولت نهم و دهم با هم فرق دارد، بالاخره قدرت آدم را با خودش می‌برد. آدم وقتی اشتباه کند دیگر... احمدی نژاد آدم موجهی بود و حالا رئیس جمهور و فرد دوم کشور است. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نیز بارها فرمودند که من از رئیس جمهور حمایت می‌کنم اما نقاط ضعف و قوت را به صورت حضوری و خصوصی به رئیس جمهورهای وقت

آیا آقای احمدی نژاد بعد از اینکه در انتخابات سال ۸۴ به عنوان پیروز انتخابات بر کرسی ریاست جمهوری جمهوری نشست، با تغییر جایگاه تغییر کردند؟ رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند اگر بگوییم کشور امن و امان است و هیچ مشکلی وجود ندارد، اعتماد کاذب ایجاد می‌شود، از این رو باید نقاط قوت و ضعف را بگوییم. من با آقای رئیس جمهور قبل از سال ۸۴ و وقتی که نماینده مجلس بودم، در شورای مرکزی جمعیت ایثارگران آشنا شدم که از نزدیک همدیگر را می‌دیدیم و من به خصوصیات فردی و شخصی ایشان نمره خوبی می‌دادم.

آقای احمدی نژاد در ابتدای حضور خود گفتند که دست رانت‌خواران را از اقتصاد کشور کوتاه می‌کنند و اجازه نمی‌دهند خودروی ۳۰۰ میلیونی وارد شود. به نظر شما برخورد دولت با مفسدین اقتصادی مطلوب بود؟ آیا هنوز هم همین رویه را در ایشان می‌توان مشاهده کرد؟

حدود هزار ماشین مدل بالا را بر اثر یک مصوبه ای که تصویب و بلافاصله لغو شد، توانستند از این فرصت استفاده کنند تا در این چند ساعت ماشین‌ها را ترخیص کنند. این مسئله نمی‌تواند بدون هماهنگی باشد. دولت هم هیچ پاسخی در این رابطه نداده است.

البته باید بررسی شود ولی به نظر می‌آید که این سوءظن پیش آمده است که چنین حرکاتی برای تامین بودجه مورد نیاز برای جریان انحرافی سازمان‌دهی شده باشد. دولت باید تلاش کند این سوءظن را با استدلال رفع کند.

بزرگترین اختلاس در دوره دوم ایشان اتفاق افتاده است و مکاتباتی نیز از دفتر رئیس جمهور به نفع گروه آریا صورت گرفته است. دولت نمی‌تواند سر در برف کند و این ماجرا را مسکوت بگذارد.

آیا به دولت اول و دوم آقای احمدی نژاد چه نمره‌ای می‌دهید؟

به دولت اول نمره ۱۸ می‌دهم و به دولت دوم مرتب هر سال نمره‌اش کمتر شده است و امسال هر ماه و هر هفته نمره‌اش کاهش پیدا کرده است. الان من نمره ردی به ایشان نمی‌دهم بلکه نمره اخراجی می‌دهم؛ یعنی از بدتر از بد.

آیا به نظر شما نقاط منفی دولت چه بوده و چه تاثیری بر مردم و کشور داشت؟

بزرگترین سرمایه‌ای که آقای احمدی نژاد در مدیریتش داشت، اعتماد و حسن ظن مردم بود. در دور دوم این اعتماد را به سوءظن و بدبینی و حتی بیش از سوءظن و بدبینی و اطمینان به خلاف عمل تبدیل کرده است و اعتماد عمومی را از دست داد. امروز نمونه آن خود بنده هستم. من در سال ۸۸ به ایشان رای دادم ولی امروز اگر آقای احمدی نژاد بتواند نامزد انتخابات شود، تمام نیروی خود را به کار می‌برم که ایشان رئیس جمهور نشود؛ فکر می‌کنم خیلی‌ها مثل من هستند.

نگاه

- در دوره دوم آقای احمدی نژاد، رویکرد دیگری را متفاوت از دوره اولش دنبال کرد و شعارهایی داد که با شعارهای انتخاباتی او همسو نبود.
- امیدم را برای عاقبت به خیری احمدی نژاد از دست داده‌ام.
- در سیاست استکبارستیزی آقای احمدی نژاد هم خدشه وارد شده است.
- اگر ایشان صادق بود و روال دور اول ریاست جمهوری را ادامه می‌داد، می‌توانست به سمبلی مثل شهید رجایی تبدیل شود.
- من در سال ۸۸ به ایشان رای دادم ولی امروز اگر آقای احمدی نژاد بتواند نامزد انتخابات شود، تمام نیروی خود را به کار می‌برم که ایشان رئیس جمهور نشود.

می گویم. درباره نقاط ضعف و قوت دولت ها باید بگویم که مصداق های زیادی برای دولت اصلاحات و دولت کارگزاران سراغ دارم که خدمات زیادی کردند ولی ضربات سنگینی نیز به کشور زدند. یکی در بُعد فرهنگی و دیگری در بُعد شرفایی گری و... ضربات سنگینی را به کشور زدند.

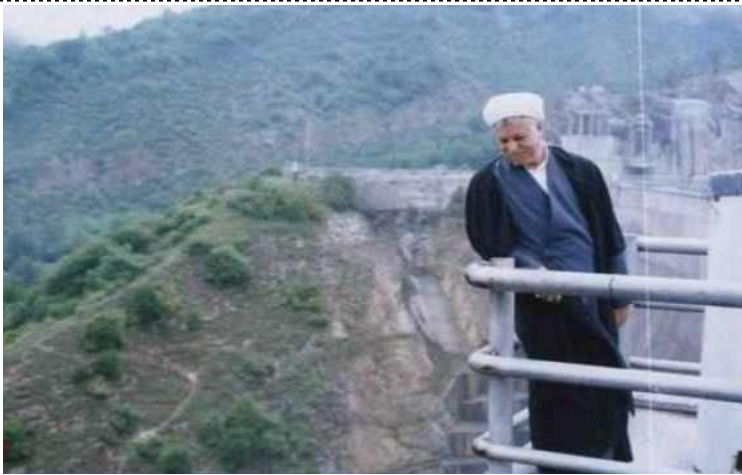
آقای احمدی نژاد شخصی بود که سابقه جبهه داشت و زمان آقای هاشمی نیز استاندار شد و به قول سیاسیون جزو جوان هایی به درد بخور بود و بعد هم شهردار شد که در آنجا در دل مردم رفتن و با مردم صحبت کردنش را نشان داد. این خصوصیات احمدی نژاد قبل از سال ۸۴ بود. آقای احمدی نژاد زمانی که در استانداری اردبیل بود، خیلی خوب و جهادی عمل کرد و سپس همین آقای احمد توکلی و تیم بچه های حزب اللهی سعی کردند که احمدی نژاد شهردار تهران شود و در نهایت نیز شهردار تهران ش، یعنی برای شهرداری تهران افراد مختلف کاندیدا بودند که

آقای احمد توکلی دیدند که ایشان جوان، انقلابی و ولایت مدار است. مقام معظم رهبری نیز به همین دولت گفتند من معتقدم که بایستی محیط وزارتخانه ها حزب اللهی شود.

آقای نجابت گفتید که در دوران قبل از ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد با ایشان ارتباط داشتید. آیا خاطره ای در مورد سبک کار آقای احمدی نژاد از آن زمان دارید؟

من نمره قبولی به آقای احمدی نژاد می دهم و به نظر جزو مدیرهای خوب است، همچنین زمانی که به شهرداری هم آمد، به او پوپولیسم می گفتند ولی به نظر من ما هر چوبی می خوریم، به خاطر روشنفکرای روشنفکر نمایان است. کارگزاران وقتی روی کار آمدند، ما در مجلس بودیم که اولین بیانیه آنها این بود که ملت شریف ایران، سپاهی ها، بسیجیان، ارتشیان و... جنگ تمام شد، خدا خیرتان بدهد و از این پس باید کار را به دست متخصصان بدهید. درباره همین تکنوکرات ها مقام معظم رهبری عید امسال فرمودند باید کاری کنید که بتوانیم هر وقت که اراده کردیم، در چاه های نفت را ببندیم، اما آن آقایان که به زعم خودشان تکنوکرات هم بودند، گفتند مگر می شود چنین کرد. این وضع گذشت تا اینکه در انتخابات ریاست جمهوری وارد شدیم و آقای احمدی نژاد بعد از دولت اصلاحات سر کار آمد. دولت اصلاحات با توری جامعه مدنی و فضای باز سیاسی آمد و بهزاد نبوی صریح می گفت که اگر مردم فکر کنند، ما آمدیم گوشت و نان را ارزان کنیم، اشتباه فکر می کنند، به همین دلیل کارهایی کردند که نباید انجام می دادند. اصلاحاتی ها کار را به جایی رساندند که معاونت پرورشی آموزش و پرورش را منحل کردند که مقام معظم رهبری بعداً فرمودند که من قبلاً گفته بودم معاونت پرورشی را حذف نکنید، بنابراین در آن دوران مقدسات و آرمان ها رخت بر بست و رفیق به سمت سکولار شدن.

این از اصلاحات اما از آن طرف هم کارگزاران امتحان خود را پس دادند. کارگزاران سیاست تعدیل اقتصادی را به مجلس



آوردند و می خواستند قیمت بنزین را ۱۰ برابر گران کنند و حتی یکی از آنها گفت "مرگ یک بار و شیون هم یک بار".

بنده که شاگرد حزب الله و از اعضای هیئت رئیسه حزب الله بودم، گفتم این گرانی به طبقه مستضعف فشار وارد می کند ولی آنها ایستادند و امثال کرباسچی نیز در کارهایی افتادند که خودشان تشخیص می دادند. در آن زمان کارگرانی ها می گفتند که همه باید غنی شوند؛ در صورتی که دلیل عقلی و منطقی می گوید که بعد از جنگ باید کمربندها را محکم ببندیم. درست است

که به اصطلاح سیاسی می گویند بعد از جنگ دهن ها باز می شود اما ما به طرف اشرافی گری رفتیم. بالاخره پس از ۸ سال سازندگی و در دل دوران اصلاحات، پس از غائله تیر ۷۸ ، هسته اصولگرایی نیز تشکیل

شد و این جریان توانست در سال ۸۴ که آقای احمدی نژاد، قالیباف، هاشمی، معین و... به میدان آمدند، پیروز شود زیرا احمدی نژاد حرف اصلی خود را در شعارهایش زد. جدای از این شعارها مردم احمدی نژاد را به عنوان یک انسان ساده زیست می شناختند. بالاخره آقای احمدی نژاد رئیس جمهور شد و دولت نهم را تشکیل داد. احمدی نژاد وزرای

خوبی را آورد و کارهای مثبت زیادی انجام داد. اما اینکه یک رئیس جمهور باید چه ویژگی هایی داشته باشد را باید با شاقولی که رهبری تعیین می کنند، سنجید. ایشان فرمودند در شنیدن انتقادات سعه صدر داشته باشید و به انتقادات توجه کنید البته انتقاد با تخریب فرق دارد.

آگر بخواهیم به صورت مصداقی وارد شویم و کارها را با هم مقایسه کنیم، آیا باز هم به این نتیجه می رسید؟ باید شرایط را هم نگاه کنیم، یعنی بینیم صحنه بین المللی،

تحریم ها و دیگر شرایط داخلی چگونه بود؟ من که در بخش بهداشت و درمان بودم، می دانم بهترین امکانات در این دولت به طرف شهرهای درجه ۳ و ۴ و روستاها رفت. من می دانم بیمارستان هایی که در سراسر کشور در عرض ۲۰ سال پیش کلنگ خورده بود، در دولت نهم تمام شد و افتتاح شد. به عنوان مثال بیمارستان ۵۰۰ تختخوابی کرمانشاه، فسا، شهرکرد و... در این دولت به بهره برداری رسید.

جدای از این، احمدی نژاد به شهرها و روستاهایی رفت که فرماندار هم به آن شهرها نرفته بود. رهبر معظم انقلاب تذکرات، راهنمایی ها و دستوراتی را به همه دولت ها از جمله این دولت داده اند. ایشان فرمودند از سخن درشت خیرخواهان نرجید. به سخنان دلنشین چاپلوسان نیز دل نسپارید. یکی از ضعف های دولت ها نفوذ فرصت طلب ها و چاپلوس هایی هستند.

آقای هاشمی رفسنجانی خدمات زیادی به انقلاب کرد و یکی از ارکان این نظام بود ولی اشتباهات عجیب و غریبی هم داشت. می گفت من وقتی می خواهم وزیر عوض کنم، گریه ام می گیرد البته عاطفه بسیار خوب است ولی در جریان حکومت و اعتماد بیش از حد به مدیران، از نقاط ضعف یک رئیس جمهور است. همین اعتماد زیاد و عدم نظارت باعث شد که در این دولت نیز معاون وزیر، مدیر کل و... در قضیه اختلاس ۳ هزار میلیارد تومان محکوم شوند.

رهبر معظم انقلاب فرمودند که اعتماد مطلق به زیردستان نکنید و نظارت کنید. دولت آقای هاشمی رفسنجانی مدل خاصی برای خودش داشت؛ مدلی که به تکنوکراتی معروف بود. دولت آقای خاتمی نیز همین طور بود. دولت

آقای خاتمی هم یک زیربنایی داشت که حلقه کیان و سعید حجاریان، محسن کدیور، تاج زاده، عباس عبدی و... آن را خط می دادند.

آیا در دولت آقای احمدی نژاد هم کسانی هستند که بخواهند چاپلوسی و تملق کنند؟ بله! در دولت آقای احمدی نژاد نیز هستند. آقای احمدی نژاد در تلویزیون گفت که من از ادغام دانشگاه علوم پزشکی ایران با

تهران خبر نداشتم. این شهامت رئیس جمهور را نشان می دهد ولی با این صحبت ها به طرفداران دولت و نظام طعنه می زنند. باید در عرصه مدیریت خیلی دقت کرد زیرا بعضی ها نظارت کافی به زیر مجموعه خود ندارند و یا اینکه بعضی زیر مجموعه ها گزارش های خدای نکرده اشتباهی را به مدیران خود تحویل می دهند. خب! چاپلوس هم در همه دوره ها بوده و حتی در زمان امیرالمومنین علی (ع) باز مشاهده می شود که چاپلوس ها بودند و انسان ها تغییر می کنند. شمر در لشکر علی بن ابیطالب (ع) بود.

عاطفه بسیار خوب است ولی اعتماد بیش از حد به مدیران، از نقاط ضعف یک رئیس جمهور است. همین اعتماد زیاد و عدم نظارت باعث شد که در این دولت نیز معاون وزیر، مدیر کل و... در قضیه اختلاس ۳ هزار میلیارد تومان محکوم شوند.

ممکن است چیزی را شما معتقد باشید که روال قانونی آن درست طی نشده باشد ولی اگر با سازوکار قانونی به دولت ابلاغ شد، دولت باید آن را اجرا کند. این مسئله یکی از نقاط ضعف هر سه دولت بود و اگر بخواهیم به قانون‌گرایی دولت‌ها نمره دهیم، این دولت نمره بیشتری از ۲ دولت هاشمی و خاتمی دارد ولی این دولت هم بعضی وقت‌ها قانون را دور زده است. حضور آدم‌های متدین در این دولت خیلی بیشتر از دولت‌های قبل بود ولی کامل نبود که این از نقاط متوسط این دولت محسوب می‌شود البته حزب‌الله به ریش و شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه نیست. حزب‌الله در عمل باید خود را نشان دهد. در بحران‌ها، ساده زیستی، استکبارستیزی و ... حزب‌اللهی خود را باید نشان دهد. مقام معظم رهبری فرمودند که وادادگی مدیر مهمترین عامل انحراف است. ایشان در رابطه با کارهای فرهنگی می‌فرمایند برخی کارشناسان مغرضانه خریزه زیر پای مسئولان می‌گذارند. ما به کارشناسی احتیاج داریم و کار بدون

در دولت نهم ولایت‌مداری و اجرای دستورات رهبر معظم انقلاب بسیار قوی‌تر و چندین برابر دولت دهم بود.

گرفتن میلیون‌ها نامه از مردم و سروسامان دادن به آنها کار خوبی بود ولی من معتقد بودم که مردم وقتی اینقدر نامه می‌دهند، علت از جای دیگری است.

کارشناسی ابتر و خنثی است و حتماً باید از کارشناسان صادق و خوب استفاده شود. این مسائلی که گفتم برای بررسی عملکرد دولت‌ها به عنوان شاقول و تراز مطرح است. رئیس‌جمهور فرد دوم مملکت است که وظایفش در قانون اساسی مشخص است. حضور در روستاها، ساده زیستی، احیای شعارها، کارهای سنگین مانند سهمیه بندی بنزین، هدفمند کردن یارانه‌ها، از دیگر نقاط مثبت این دولت است. آقای خاتمی گفت که "ما می‌خواستیم کار هدفمندی یارانه‌ها را انجام دهیم ولی شجاعت آن را نداشتیم"، البته هدفمندی جاده یک طرفه نبود و قوای دیگر نیز همکاری داشتند ولی دولت در وسط میدان بود. از دیگر نکات آقای احمدی نژاد طرح آرمان‌ها، نابودی اسرائیل و هولوکاست در مجامع بین‌المللی بود، البته بعضی‌ها به این مسائل ایراد می‌گیرند ولی شهید رجایی هم در سازمان ملل پای خود را روی میز گذاشت و کفش خود را درآورد و گفت پای من به دلیل شلاق‌هایی که در رژیم شاهنشاهی خورد، اینگونه است. رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند که من دیپلمات نیستم و انقلابی‌ام؛ اگر اسرائیل تکان بخورد تلاویو و حیفا را با خاک یکسان می‌کنیم. در مساله انرژی هسته‌ای هم تیم آقای احمدی نژاد بسیار خوب عمل کرد ولی مدیریت قوی آن با شخص شخصیت رهبر معظم انقلاب بود.

در دولت نهم ولایت‌مداری و اجرای دستورات رهبر معظم انقلاب بسیار قوی‌تر و چندین برابر دولت دهم بود. در کنار این نکته مثبت عدم کار کارشناسی در مسائل اقتصادی بود. گرفتن میلیون‌ها نامه از مردم و سروسامان دادن به آنها کار خوبی بود ولی من معتقد بودم که مردم وقتی اینقدر نامه می‌دهند، علت از جای دیگری است. باید کارهای مردم را در استان‌ها و توسط مدیران استانداری انجام دهند و یک درصد که مربوط به رئیس‌جمهور است، در ریاست جمهوری انجام

شود. نامه دادن از لحاظ سمبلیک کار خوبی بود ولی در کل، کار متوسطی از سوی رئیس‌جمهور بود. از دیگر نکات مثبت دولت، به پایان رساندن پروژه‌های نیمه تمام در مناطق محروم بود و بنا بر فرمایش رهبر معظم انقلاب کار فیزیکی و پرکاری بود. کابینه دولت نهم، کابینه‌ای عالمانه بود ولی اگر در رابطه با وزیرها با مجلس تعامل می‌کردند، بهتر بود. به عنوان مثال حزب‌الله مجلس به این نتیجه رسیده بود که بعضی از وزیرها بهتر است که معرفی نشود تا آبروی آنها حفظ شود ولی متأسفانه اینگونه نشد و با وجود اینکه دولت اصولگرا بود، چند نفر از وزیرها رای نیاوردند که این مسئله از نقاط

ضعف دولت بود. وقتی مسئله‌ای در کشور اتفاق بیفتد که آرمان‌ها و انقلاب در خطر باشد، دولت و مجلس یک هدف را دنبال می‌کنند تا از آرمان‌ها و انقلاب دفاع کنند و ممکن است در روش‌ها با هم متفاوت باشند.

پس برخی کارشناسان می‌گویند در دولت‌های قبلی فضای نقد و انتقاد بسته بود و به همین دلیل مردم جریان بسیاری از اموری و تخلفاتی که در کشور اتفاق می‌افتاد، قرار نمی‌گرفتند ولی در دولت نهم و دهم فضای انتقاد خیلی باز شد، به همین دلیل اگر کوچکترین اختلافی در مورد

قانون پیش می‌آمد و یا اینکه قانونی اجرا نمی‌شد، فوراً منعکس می‌شد ولی در دولت‌های قبلی فضایی برای انتقاد به این صورت نبود. با این تفاسیر این مقایسه را داشته باشید که قانون‌گرایی و یا تخلفات در کدام دولت بیشتر بود؟ دولت اول و دوم آقای هاشمی رفسنجانی خیلی با هم فرق دارد. در آن زمان همین اصلاح‌طلبان در روزنامه‌هایشان آقای هاشمی رفسنجانی را سکه یک پول می‌کردند. همین آقای خوینی‌ها و ... که الان برای ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی تلاش

یکی دیگر از نقاط ضعف، به رسانه کشاندن اختلافات در حالی بود که رهبر معظم چند بار فرمودند سران قوا باید با یکدیگر وحدت کنند و اختلافات را به رسانه‌ها نکشند البته در این ماجرا مجلس و دولت هر دو اشتباه کردند.

می‌کنند. به عنوان مثال دولت آقای خاتمی که با شعار آزادی و باز کردن فضای بسته آمد، ریشه کسی که بر خلافش حرف می‌زد را می‌کند. من یکی از مخالفان سرسخت مهاجرانی بودم، یعنی در جلسه رای اعتماد، من به عنوان مخالف صحبت کردم که بعداً مهاجرانی را به کمیسیون آوردیم. سپس در کمیسیون با سند و مدرک نشان دادیم که آقای مهاجرانی دلار، زینک و کاغذ را به روزنامه‌های همسوی خودشان می‌دهد. به عنوان مثال به روزنامه‌های حزب‌اللهی ۱ دلار می‌داد و به روزنامه خرداد آقای عبدالله توری ۱۰۰ دلار. این اقدامات کاملاً مشخص بود.

یکی دیگر از نقاط ضعف به رسانه کشاندن اختلافات در حالی بود که رهبر معظم چند بار فرمودند سران قوا باید با هم وحدت کنند و اختلافات را به رسانه‌ها نکشند البته در این ماجرا مجلس و دولت اشتباه کردند. یادم می‌آید که بین سال‌های ۶۲-۶۱، دوازده نماینده فدایی امام (ره) (سنوالاتی از آقای ولایتی وزیر امور خارجه داشتند و قرار بود آقای ولایتی با حضور در مجلس به سنوالات نمایندگان پاسخ دهد. در این زمان امام فرمودند که "اسرائیل این کار را نکرد که شما کردید". بلافاصله پس از این هشدار، نماینده‌ها فوراً طرح سوال را پس گرفتند. من از آقای عسگرولادی شنیدم که گفت من خدمت امام خمینی (ره) رسیدم و گفتم سیداحمد، دکتر اسرافیلی، سیرجانی و ... از فدائیان شما هستند. امام فرمودند: "درست است ولی گاهی باید خودی‌ها قربانی شوند". شایسته سالاری نسبی در

دولت‌ها بوده ولی آن چیزی که در شان جمهوری اسلامی باشد، نبود. روایت داریم که اگر فردی دید کسی از او قوی‌تر است و سمتی را قبول کرد، به خدای حضرت رسول و مومنان خیانت کرده است.

آقای احمدی نژاد نیز ساده زیست، شجاع و با شهامت بود ولی یکی از ضعف‌هایش این بود که از اول گفت اسم ۵۰۰ نفر مفسد اقتصادی در جیب من است البته بعدها دید که این مسائل جواب نمی‌دهد. آقای فدایی در جمعیت اینترگران به کمیته‌ها و جوان‌ها اصلاً اجازه نمی‌داد که کسی بخواهد

احمدی نژاد را تخریب کند. بر همین اساس شورای مرکزی تصویب کرد که مشکلات را در قالب نامه‌های محرمانه به رئیس‌جمهور بدهند. اما امروز دیگر یاران خوب آقای احمدی نژاد عقب رفتند که باید علت آن ریشه یابی شود. آقای لنگرانی، فتاح، محسنی اژه‌ای، صفارهرندی و ... کسانی بودند که با حضور آنها روش‌های بهتری پیگیری



می شد. در هر صورت دولت نهم نقاط قوت بیشتری نسبت به دولت دهم داشت و دولت دهم هم اگر با سایر قوا تعامل می داشت، بهتر بود. با مجلس و قوه قضائیه بیشتر تعامل می کرد، در مسائل اقتصادی با کارشناسان متعهد مشورت می کرد و همچنین سعی می کرد با دانشجویان و نخبگان ارتباط برقرار کند. شما الان می بینید که یک سری پروژه هایی را افتتاح می کنند. بنده عددی نیستم ولی چیزهایی یاد گرفتم. زمانی که مدیرعامل بودم، به یکی از روستاهای شیراز رفتم. مردم گفتند ما متخصص زنان و زایمان نداریم. گفتیم تا ۲۰ سال دیگر هم نمی توانیم برایتان متخصص زنان و زایمان بیاوریم ولی ماما می آوریم. مردم به صداقت جواب می دهند. در سفر هیئت دولت به



منفی دیدم. من در سال ۸۸ و ۸۹ مسئول هیئت های رسیدگی به تخلفات کارمندان دولت بودم. ۲ هزار و ۶۳۰ نفر را اخراج، ۳ هزار و ۳۰۰ نفر کسر حقوق فوق العاده، هزار و پانصد نفر تنزل گروه، ۷۰۰ نفر بازنشستگی با تقلیل گروه و ۴۰۰ نفر را از پست های حساس برکنار کردیم و طبق ماده ۱۹ عده ای هم به محاکم قضایی معرفی شدند. این از نقاط مثبت دولت است. اینگونه نیست که همه جا را فساد گرفته

باشد ولی در جمهوری اسلامی یک فساد هم زیاد است.

متأسفانه برخی از رفقای ما تخریب و کج سلیقه می کنند. یکی دیگر از نقاط ضعف آقای احمدی نژاد، عدم حضور در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. این آخری ها یکبار رفت. آقای محسن رضایی می گفت ایشان آمد و خیلی جلسه خوبی بود؛ پیشنهاداتی دادند و تصویب شد و لبخندهایی هم با آقای هاشمی زدند. نظام مصلحت هایی دارد. یکی از جلساتی که غیبت آقای احمدی نژاد زیاد بود، جلسات مجمع بود. باید به این جلسات می رفت.

آقای احمدی نژاد سال ۸۴ بر سر کار آمدند. یک سال بعد، بحث ورود زنان به استادیوم را مطرح کردند. خیلی از علما نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند اما باز هم بر این مساله اصرار داشتند تا اینکه رهبری به دولت توصیه کردند. این اقدامات را ناشی از چه می دانید؟

من در تیم فوتبال دیرستان و دانشگاه بودم. الان هم که در جمع جوانان می روم و می بینم که بحث راجع به فوتبال است، به جوانان می گویم اگر می خواهید، برایتان از رنال مادرید و سیستم ۵-۳-۲ و ۳-۳-۴ بگویم.

چند شب پیش تلویزیون بازی یکی از تیم های تهرانی را نشان می داد. در تلویزیون دیدم که فردی گوش بچه اش را گرفته بود تا فحش ناموسی نشنود. این یک مساله عقلی است. مراجع ستون هستند. خدا رحمت کند دکتر شریعتی و جلال آل

احمد را که گفتند پای یک

وقتی علما بگویند وزیر زن نباشد، این برای خوش آمدن چه کسانی است؟ در آمریکا اواما خانم کلینتون و چند خانم دیگر را برداشت. اصرار برای حضور وزیر زن، درست نبود. وقتی زمینه های مختلفی شکل می گیرد، فرد می گوید هر آنچه من فکر می کنم درست است.

احمد را که گفتند پای یک قرارداد ننگین امضای یک عالم را نمی بینید. وقتی علما بگویند وزیر زن نباشد، این برای خوش آمدن چه کسانی است؟

در آمریکا اواما خانم کلینتون و چند خانم دیگر را برداشت. من و خانم دکتر وحید دستجردی ۸ سال با هم مجلس بودیم. ایشان خیلی هم نسبت به ما لطف

دارند اما اصرار برای حضور

وزیر زن، درست نبود. وقتی زمینه های مختلفی شکل می گیرد، فرد می گوید هر آنچه من فکر می کنم درست است.

گفت "ما در مالزی یک شورای

اقتصاد داریم که مسائل را چکش کاری می کنند و بعد به من می گویند و من اعمال می کنم" اما اینکه هر کسی بیاید و یک چیزی بگوید، از ضعف است.

سه شنبه شب تلویزیون گزارشی تهیه کرده بود از قیمت دلار و ... گزارشگر رفته بود سراغ صراف ها. این از نعمات جمهوری اسلامی هست که الحمدلله عمه من هم فوتبالبلیست است و باید در

تیم ملی بازی کند. من خودم با فوتبال سروکار دارم. آقای اکرمی نماینده مجلس بود که چین با ایران بازی داشت. گفت عمه من مدام "وجعلنا من بین ایدیهم سدا" خواند که ایران گل نخورد. ایران که چهار تا زد، به عمه ام گفتم یک وجعلنا هم برای چین بخوان. دیشب خبرنگار از جوانی پرسید که قیمت دلار و سکه چقدر است و اینکه چرا وقتی قیمت جهانی طلا پائین آمده، در ایران قیمت ها پائین نیامده. این جوان گفت: "آقا تقصیر دولت است و هیچ کس هم نمی داند و شما (خبرنگار) هم نمی دانید دولت چه کار می کند".

اگر قرار باشد همه بیایند و همه چیز بگویند که درست نمی شود.

مثلاً برای چه مساله گوجه فرنگی اینقدر در تلویزیون مطرح شد؟ درست که نظارت یک جاهایی ضعیف است اما اگر انسجام و اقتدار حاکم باشد، این اتفاقات نباید بیفتند. الان تخریب هم زیاد شده.

من دیروز سه شنبه (رادیو مجلس گوش می دادم. یک نماینده می گفت ما جزو پنج کشوری هستیم که بیکاری در آن بیداد می کند. تلفن زدم به اخوی در مجلس. گفتم برو پیش رئیس مجلس و بگو این خلاف فرمایشات مقام معظم رهبری است؛ این

سمنان، آقای رحیمی در تلویزیون گفت که ۳۰ درصد مصوبات سفرهای استانی آغاز نشده و ۴۰ درصد پروژه ها نیز این مقدار پیشرفت کرده است. این آمار نشان از عدم کار کارشناسی قوی دارد. درست است که امام جمعه و نمایندگان فشار می آورند که فرودگاه می خواهیم، ولی نباید تسلیم شد. الان دوستان بدقلق دولت

مدام می گویند پروژه ها و کارخانه ها خوابیدند. من مدرک دارم که زمان آقای خاتمی بسیاری از کارخانه ها تعطیل شد. باید برای نقد، انصاف به خرج دهیم. روزنامه های اصلاحات این روزها می نویسند که شما از احمدی نژاد دفاع می کردید. ما اکنون هم دفاع می کنیم و پشیمان نیستیم. ما ناراحتیم که چرا برخی کارهای دولت در عمل آنچیزی می شود که اصلاح طلب ها می خواهند.

عملکرد دولت در حوزه فرهنگی چگونه بوده است؟ برخی می گویند آقای احمدی نژاد هم خواهان و موافق وضع حاکم یعنی آشننگی حوزه فرهنگ هستند.

دولت دهم در کار فرهنگی نمره خوبی نگرفت و نرسید اوضاع سینما و تئاتر و اینها را ببینید. یک ضعف دیگر که در همه دولت ها بوده و در این دولت هم هست، حرفهای ضد و نقیض مسئولین است. وقتی آقای حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، جلسه محرمانه ای در مجلس برگزار شد. در آن جلسه گفتم که "هر وزیر و مسئولی در تلویزیون یک چیزی می گوید. چرا حرفتان یکی نیست". الان هم یک مسئولی می گوید از امروز صادرات پسته ممنوع ولی دو ساعت بعد وزیر می گوید هنوز معلوم نیست. اینها زشت است. آقای ماهاتیر محمد نخست وزیر مالزی ۲۰ سال وزیر بود. ایشان یکبار به مجلس آمدند. آن موقع آقای دانش جعفری هم مجلس بود. آقای دانش جعفری می گفت از نخست وزیر مالزی پرسیدم که چگونه شما وضعیتتان اینگونه شد؟ ماهاتیر

یکی از انتقاداتی که به آقای احمدی نژاد وارد می کنند، این است که آقای احمدی نژاد می گوید من هر چه می گویم، درست است...

این نقطه ضعف است البته من دیدم ایشان گفته من هم اشتباه می کنم.

دولت آقای احمدی نژاد در مبارزه با فساد با توجه به اینکه می فرمودند دست رانت خواران را از اقتصاد کشور کوتاه می کند و همچنین اولتیماتوم هایی که به مفسدین می داد، چگونه عمل کرد؟

مبارزه با مفساد اقتصادی در این دولت متوسط رو به ضعیف بوده است. دولت های قبل که هیچ کاری نکردند. مقام معظم رهبری فرمودند من فرمان مبارزه با مفساد اقتصادی را ابلاغ کردم ولی عمل نشد. عملکرد دولت احمدی نژاد نسبت به سایر دولت ها چگونه بوده است؟ نقاط مثبت دولت نهم و دهم از نقاط ضعفش بسیار بیشتر است. اشتباهاتی هم داشته اند ولی

نسبت به دولت های قبلی، این دولت بهتر بود. آن دولت ها غائله تیر ۷۸ را بوجود آوردند. تاج زاده در وزارت کشور مردم را هدایت می کرد که به بیت رهبری حمله کنند. تا جایی که رهبری در دیدار سیسیجی ها فرمودند حاضرم جانم را برای امام زمان فدا کنم. در دولت آقای هاشمی هم وقتی کرباسچی دادگاهی شد، من در جلسات وفاق، از دو لب آقای کروی شینیدم که می گفت: عبدالله نوری به من گفته است اگر آقای خامنه ای بخواهد جلوی کرباسچی بایستد، ما جلوی او می ایستیم. آنها این کار را دارند، توفی هم نبود زیرا مبارزه بود. در خیابان ها می ریختند و زد و خورد می کردند. در شیراز بلند می گفتند این (احمد نجابت) ضد خاتمی است و فحش می دادند. ما شینم را نگه می داشتم و می آدمم پائین و می گفتم که ضد خاتمی چیست؟ طرف گیر می کرد. تخریب و بد و بیراه نمی گفتم ولی روشننگری می کردم. به هر حال توقعات از دولت نهم و دهم بیشتر بود، دولت نهم خیلی بیشتر کار کرد.

عده ای می گویند که برخی با استفاده از خانه نشینی آقای احمدی نژاد به دنبال راه اندازی برای یک ظرفیت اجتماعی برای فشار به مقامات و همچنین عزل آقای مصلحی بودند. اگر وارد این مسائل شویم، چون ممکن است از قول رهبری اطلاعاتی بگوئیم، خوب نیست. شهید چمران و مرحوم حسن حبیبی جزو نهضت آزادی بودند. سرنوشتشان چطور شد؟ آمدند. مقام معظم رهبری پیامی که برای مرحوم دکتر یدالله سبحانی دادند، گنج کننده بود. نوشتند انسانی مومن و متعهد که علائق سیاسی داشت. امام جمله ای برای آقای منتظری نوشتند که تاریخ، نشان می دهد که بزرگانی در اسلام چه خیانت هایی کردند. وقتی به رئیس جمهور فشار آمد، ممکن است عکس العملی نشان بدهد که ایشان هم عکس العمل نشان داد و اشتباه هم بود. ما توقعی که از آقای احمدی نژاد هنوز هم داریم، این است که به عنوان یک اصولگرایی آرمانگرا این کار

را نمی کردند. آن کار اشتباه بود. باید ایشان بهتر برخورد می کرد.

شما گفتید که حضرت امام فرمودند یک جاهایی باید خودی ها قربانی شوند اما در همان یکشنبه مجلس، آقای احمدی نژاد به خاطر یک مدیر میانی، وزیرش را از دست داد.

این در حالی است که ایشان در دولت نهم گفته بود من مصوبه ای را به هیچ عنوان امضا نمی کنم که عده خاصی بخواهند از آن استفاده کنند و همه ملت ضرر کنند. آیا برخی می گویند در ماجرای آقای مرتضوی و یا حمایت تام از آقای

مشایی، ملت ضرر کرد! آیا احمدی نژاد ملت را فدای این چند نفر می کند یا آنها را فدای ملت؟ من که به شما گفتم. مقام معظم رهبری می فرمایند همیشه مدیرهای زیرمجموعه تان را بررسی کنید و اگر گزارشی بهتان دادند، به زیرمجموعه هایتان نگوئید ولی در دل خودتان فکر کنید که این گزارشات درست نیست. در جریان یکشنبه مجلس هم اشتباه شد. آیا این مساله به نفع نظام بود؟ گاهی وقت ها مساله ای به نفع نظام است ولی عوارض هم دارد. در جریان آقای مرتضوی همه با هم اشتباه کردند. شدت و ضعف هم دارد. یک کسی بیشتر و یک کسی کمتر. یک جمله معروفی به نقل از احمدی نژاد می گویند و ول کن هم نیستند که "من خط قرمز دارم". این مسائل را در همه دولت ها داشتیم. این ضعف دولت ها بوده که وضعیت خودی ها را بررسی نمی کند. تا گفتند این فرد نزدیک شماست و مشکل دارد، دموکراتیک بخواهیم عمل کنیم، می گوئیم استعفا بدهد و الا باید اخراجش بکنیم. اگر ۱۰ نفر آخوند و نماینده و وزیر و وکیل اخراج شوند، آنوقت معاون وزیر در اوین نمی رود یا کرباسچی دستگیر نمی شد. در دوران محکومیت آقای کرباسچی با جنجال می خواستند بگویند او را آزاد کنند. وقتی وی در زندان بود، عبدالله نوری که در سفر مکه بود، پس از رسیدن به فرودگاه ایران، مستقیم به منزل کرباسچی رفت. ببینید چه مضحکه و فشاری روی نظام آوردند. من یک انسان متخصصم. فشارهایی که به آقا می آید، روی هر کسی بود، پودر می شد.

مبارزه با مفساد اقتصادی در این دولت متوسط رو به ضعیف بوده است. دولت های قبلی هیچ نکردند. نقاط مثبت دولت نهم و دهم از نقاط ضعفش بسیار بیشتر است. اشتباهاتی هم داشته اند ولی نسبت به سایر دولت ها چگونه بوده است؟ نقاط مثبت دولت نهم و دهم از نقاط ضعفش بسیار بیشتر است. اشتباهاتی هم داشته اند ولی

نسبت به دولت های قبلی، این دولت بهتر بود. آن دولت ها غائله تیر ۷۸ را بوجود آوردند. تاج زاده در وزارت کشور مردم را هدایت می کرد که به بیت رهبری حمله کنند. تا جایی که رهبری در دیدار سیسیجی ها فرمودند حاضرم جانم را برای امام زمان فدا کنم. در دولت آقای هاشمی هم وقتی کرباسچی دادگاهی شد، من در جلسات وفاق، از دو لب آقای کروی شینیدم که می گفت: عبدالله نوری به من گفته است اگر آقای خامنه ای بخواهد جلوی کرباسچی بایستد، ما جلوی او می ایستیم. آنها این کار را دارند، توفی هم نبود زیرا مبارزه بود. در خیابان ها می ریختند و زد و خورد می کردند. در شیراز بلند می گفتند این (احمد نجابت) ضد خاتمی است و فحش می دادند. ما شینم را نگه می داشتم و می آدمم پائین و می گفتم که ضد خاتمی چیست؟ طرف گیر می کرد. تخریب و بد و بیراه نمی گفتم ولی روشننگری می کردم. به هر حال توقعات از دولت نهم و دهم بیشتر بود، دولت نهم خیلی بیشتر کار کرد.

عده ای می گویند که برخی با استفاده از خانه نشینی آقای احمدی نژاد به دنبال راه اندازی برای یک ظرفیت اجتماعی برای فشار به مقامات و همچنین عزل آقای مصلحی بودند. اگر وارد این مسائل شویم، چون ممکن است از قول رهبری اطلاعاتی بگوئیم، خوب نیست. شهید چمران و مرحوم حسن حبیبی جزو نهضت آزادی بودند. سرنوشتشان چطور شد؟ آمدند. مقام معظم رهبری پیامی که برای مرحوم دکتر یدالله سبحانی دادند، گنج کننده بود. نوشتند انسانی مومن و متعهد که علائق سیاسی داشت. امام جمله ای برای آقای منتظری نوشتند که تاریخ، نشان می دهد که بزرگانی در اسلام چه خیانت هایی کردند. وقتی به رئیس جمهور فشار آمد، ممکن است عکس العملی نشان بدهد که ایشان هم عکس العمل نشان داد و اشتباه هم بود. ما توقعی که از آقای احمدی نژاد هنوز هم داریم، این است که به عنوان یک اصولگرایی آرمانگرا این کار

بوده و این چرخش به سمت آقای جاسبی در سال گذشته نقطه ضعف او! شما قبول دارید؟

اولین نفری که مقابل دانشگاه آزاد ایستاد، دکتر زاکانی در ماجرای تفحص از دانشگاه آزاد در مجلس هفتم بود. افراط و تفریط ها بد است. جاسبی مدیر قوی ای بود، اشکالاتی هم داشت. آقای ملک زاده معاون رئیس جمهور و از افرادی بود که در دار و دسته جاسبی حضور داشت و در دستگاه احمدی نژاد هم وارد شد. افراط و تفریط همین می شود. می رویم و می زینیم و می گیریم، بعد محکم می ایستیم که فلانی هم که تا دیروز باید حذف می شد، باید باشد.

برخی یکی از مشکلات آقای احمدی نژاد را تفسیر اشتباه ایشان از ولایت فقیه می دانند که می گویند رابطه من و ولی فقیه رابطه پدر و پسر است...

خدا بیمارزد یکی از نمایندگان را. پشت تربیون مجلس خطاب به آقای خاتمی که رئیس جمهور بود گفت آقای خاتمی! خیلی دوست داریم اما در حوزه دین درس زیادی نخوانده ای بنابراین وارد این مسائل نشو. ولایت فقیه پدر و پسر است که نیست. امام قبل از انقلاب کتاب نامه هایی از امام موسوی نوشت که در آن اشاره شده بود که ولایت فقیه همان ولایت رسول الله است در تشریحی نه تکوینی. اگر ولی فقیه حکمی کند، بر مراجع هم لازم است که حکم او را اجرا کنند. البته مقام معظم رهبری می فرمایند ممکن است برخی، نظراتشان مخالف نظر من باشد؛ اینها ضد ولایت فقیه نیستند ولی اگر آدمیم گفتیم من یکی، یکی، مشکل پیدا می شود. مقام

ولایت فقیه پدر و پسر است که نیست. امام قبل از انقلاب کتاب نامه هایی از امام موسوی نوشت که در آن اشاره شده بود که ولایت فقیه همان ولایت رسول الله است در تشریحی نه تکوینی. اگر ولی فقیه حکمی کند، بر مراجع هم لازم است که حکم او را اجرا کنند.

یکی، مشکل پیدا می شود. مقام معظم رهبری در اجرائیات وارد نمی شوند و سیاست های کلی را می گویند. بدنه اجتماعی که هوادار احمدی نژاد بود... ریزش کرد. همان پیش بینی که رهبری کرده بودند درباره حضور آقای مشایی؟ نباید شک کرد. هنوزم برای آقای احمدی نژاد دعا می کنیم.

آقا هم از حکم حکومتی کم استفاده کردند ولی وقتی نظر می دهند، باید بررسی کنیم و حرفمان را هم بزنیم. رهبری یک جمله نوشتند که آقای مشایی را معاون اول نگذار به صلاح خودت و دوستداران و طرفدارانت نیست و باعث پراکندگی دوستان می شود. آیت الله حائری معلم اخلاق دولت بود که هر هفته می رفتند هیئت دولت ولی الان مدتی است که نمی روند.

دولت نهم خیلی بهتر از دولت دهم بود و در کل نقاط مثبت دو دولت احمدی نژاد از دولت های قبلی خیلی بیشتر بوده است البته اشتباهاتی هم داشته و برخی اشتباهاتش اصلاً از آقای احمدی نژاد قابل قبول نیست.

در پایان باید گفت که از ۶ ماه پیش عده ای زمینه را در داخل برای انتخابات ایجاد کرده اند که بگویند احمدی نژاد بد است و جلوی رهبری ایستاده است؛ رهبری دیگر زوری ندارد و حتماً باید مواظب باشیم تا فریب نخوریم.